

کتابخانه

بیمارستان

چشمه

محمود

پیشگفتار

- ۱- پاره‌ای از گفته‌های مورخین درباره‌سمنان
- ۲- موقعیت جغرافیائی میدان باستانی دلازیان (چشمه‌شیخ)
- ۳- چگونگی وضع کنونی میدان باستانی
 - ۳-۱- تپه (الف)
 - ۳-۲- تپه (ب)
 - ۳-۳- تپه (ج)
 - ۳-۴- تپه (د)
 - ۳-۵- تپه (ه)
 - ۳-۶- تپه (و)
 - ۳-۷- تپه (ز)
 - ۳-۸- تپه (ح)
- ۴- اشاره‌ای بر چگونگی تخریب بنای پنهان در تپه (و) و تپه (ح)
 - ۴-۱- شناسائی معماری تپه (ح)
 - ۴-۲- ابعاد ویرانه تپه (و)
- ۵- شناسائی و پیگردی بنای باستانی تپه (و)
 - ۵-۱- دیوار شرقی
- ۶- سفالینه‌های مکشوفه در ساختمان تپه (و)
 - ۶-۱- گمانه‌خارجی خاکریز غربی تپه
 - ۶-۲- کارگاه شرقی - خارجی
- ۷- مشخصات بنای مدفون در تپه (و) میدان باستانی دلازیان (چشمه‌شیخ)
 - ۷-۱- مصالح ساختمانی و ابعاد بنا
 - ۷-۲- پوشش بنای تپه (و)
 - ۷-۳- قدمت بنای پنهان در تپه (و)
- ۸- سفالهای هزاره پنجم (ق. م) در میدان باستانی دلازیان (چشمه‌شیخ)
 - ۸-۱- مشخصات سفال قرمز رنگ منقوش (ردیف ۱)
- ۹- پیوست- ۱ تحقیق و مقایسه سفالهای منقوش دلازیان با سایر محوطه باستانی همزمان

● پیشگفتار

استعدادهای نهفته در فرهنگ اصیل مردم و عناصر کالبدی فرهنگی موجود در استان سمنان تاکنون مورد بررسی و شناسایی باستانشناسان قرار نگرفته است، و بجز اخباری که مورخین و یا دانش پژوهان بومی با علاقمندی از متون و اسناد تاریخی جمع آوری و منتشر نموده اند، و یا اطلاعاتی که از پاره‌های بناهای تاریخی بدست آمده و همچنین مدارکی که ضمن مرمت بناهای تاریخی کشف شده، اطلاعات جامعی از مدارک باستانشناسی، شناسایی و جمع آوری نگردیده و طبعاً "چگونگی استقرار و شکل گیری مراکز فرهنگی این منطقه ناشناخته باقی مانده است.

با توجه به تحولات روزافزون صنعتی و دگرگونیهای اجتماعی ناشی از آن، که موجب تغییر چهره سریع اراضی و بافت اجتماعی خواهد شد، ضرورت برنامه ریزی همه جانبه‌ای را در جهت شناسایی و حفاظت از میراث فرهنگی آباء و اجدادی با کمک فرزندان خلف این مرز و بوم ضروری مینماید.

استفاده از ماشین آلاتی که در خدمت اقتصاد صنعتی امروز میباشند، معمولاً با تغییراتی در سطح زمین همراه است که در بسیاری از کشورهای دیرینه بنیاد با رعایت ضوابط حفاظتی و همیاری مردم، صیانت از میراث فرهنگی، بموازات توسعه عمران صنعتی تحت حمایت قانون انجام میگردد، اما سوذجوئی آزمندان کوه اندیش از غفلت مردم و سوء استفاده از ماشین آلات عمرانی که غالباً "با امیدواهی یافتن گنج، به تخریب تپه‌ها و محوطه‌های باستانی می‌شتابند، ابعاد این فاجعه را تا حد پایمال کردن ارزشهای فرهنگی و تاراج اسناد علمی و نفی تاریخ گسترش میدهند.

مطالب این گزارش نیز در ارتباط با تخریب آثار فرهنگی توسط همین قشر آرمند و تهاجم ماشین آلات خاکبرداری شان میباشد که از نتیجه تخریب بی حاصلشان، در این حوزه مایوس شده و قبل

از انهدام کامل آثار فرهنگی، آنها را نیمه ویران رها کرده اند از نمونه‌های این نوع خرابکاری در منطقه سمنان میتوان از تپه‌های سردره‌خوار، یوزک تپه (گنجی تپه) تپه‌های دلازیان (چشمه شیخ) و تپه‌های میرک و نام برد که طی سالهای اخیر مورد تجاوز و تخریب قرار گرفته و در اولین فصل بررسی و شناسایی استان سمنان، از طریق دفتر آثار تاریخی شناسایی شده اند.

امتداد بقایای حوزه‌های فرهنگی در حاشیه کویر، بموازات دامنه‌های ارتفاعات البرز با اشاره به شاخه‌ای از جاده ابریشم که خود بر اساس راههای ارتباطی حوزه‌های قدیمی تر فرهنگی ایجاد شده و مجموعاً "بنابر تحرکات ضروری انسان از عهد کهن شکل گرفته اند. وجود جاده سنگفرش از قصر بهرام گور (نزدیکی ورامین) تا نزدیکی سمنان، و همچنین راههای ارتباطی استان سمنان با ری (تهران) و خراسان مجموعاً "یک محور حرکتی شرقی غربی را از گذشته‌های دور تا کنون ترسیم می‌نمایند، که نقاط تقاطع آن با محورهای حرکتی شمالی جنوبی و مسیر رودخانه‌های حبله رود در گرمسار و گل رودبار در سمنان و سایر روابطی که بین کوه تا کویر وجود دارند، نقاط عطفی در شکل گیری مراکز فرهنگی - اقتصادی بشمار می‌آیند. نگرش فوق بعنوان پیش فرض و اساس برنامه ریزیهای قبلی، پیش از عزیمت و شروع کار شناسایی منطقه، مورد توجه قرار گرفت.

با آشنائی قبلی نسبت به تراکم آثار باستانی در جنوب شهر سمنان بویژه حوزه‌های فرهنگی شرقی دهکده دلازیان (دلازجان) که اهم آنها، دو میدان باستانی به نامهای تپه‌های چشمه شیخ و تپه‌های میرک در فاصله ۳/۵ کیلومتر از یکدیگر میباشند، کار بررسی در اراضی محدود بین ۵۳/۲۰ و ۵۳/۳۰ طول شرقی و ۳۵/۴ و ۳۵/۳۰ عرض شمالی برای آغاز کار بررسی در نظر گرفته شد، تا پس از شناسائی کامل آثار فرهنگی محدوده فرضی فوق، برحسب نتایج حاصله و ضرورت‌هایی که جهت گسترش فعالیت‌های آتی را تعیین خواهند کرد، نسبت به توسعه فعالیتها برنامهریزی مجدد بعمل آید.

هرچند که در این فصل بررسی باستانشناسی، محدوده کوچکی از این استان در منطقه جنوبی شهر سمنان امروزی مورد مطالعه قرار گرفته و اطلاعات حاصله در فرصت و امکانات محدود نسبت به غنای فرهنگی و قدمت آن اندک است و نمیتوان نسبت به مشخصات کالبدی، تاریخی این حوزه و رابطه آن با جغرافیای تاریخی استان اظهار نظر نمود، لکن نظر به اهمیت موضوعات بکر و هیجان آوری که مورد شناسایی قرار گرفته اند، قبل از تکمیل و طبقه بندی اخبار و اطلاعات موجود و قبل از تطبیق آنها با شرایط محیطی، بشارت وجود مدارک باقیمانده و معرفی آثار فرهنگی ارزشمند این حوزه ولو با اطلاعات اندکی که از آنها بدست آمده، ضروری تشخیص داده شده است.

اولین کسی که در سال ۱۳۵۳ توجه باستانشناسان را به آثار فرهنگی این نقطه از حاشیه کویر جلب نمود، شخصی بنام حسین عالیداعی بود، پس از بازدید کارشناسان از این محل، ضرورت شناسایی بیشتر آن ضمن بررسیهای باستانشناسی منطقه سمنان مورد تأیید قرار گرفت و بالاخره در سال ۱۳۶۳ اولین فصل کارهای بررسی باستانشناسی استان سمنان آغاز گردید.

کشف آثار باقیمانده از مردم این سرزمین در هزاره پنجم قبل از میلاد در میدان باستانی چشمه شیخ و محوطه باستانی شمال دهکده میرزا احمدی (شمال خط راه آهن تهران مشهد) در فاصله تقریبی ۱۰ کیلومتری غرب میدان و همچنین تحلیلی بر قدمت قنات در این دو محوطه باستانی مربوط به هزاره دوم قبل از میلاد و بالاخره کشف قدیمترین طاق تیزه دار جناغی شناخته شده در میدان باستانی دلازیان (چشمه شیخ) از مهمترین باز یافته های اولین فصل بررسی هیات اعزامی دفتر آثار تاریخی به سمنان می باشد. جادار دکه آزار اهنما ئیهای فاضلانہ جناب آقای دکتر ملک شهمیرزادی که تا مرحله تدوین گزارش از بذل توجه نسبت به فعالیت های هیات دریغ نکرده و با تحقیق در مورد اهمیت و ارزش یابی بقایای سفال هزاره پنجم به تهیه متنی در این زمینه همت گماشته اند که عیناً

در پیوست گزارش درج شده است، خاضعانه سپاسگزاری بعمل آورد. همکاریهای بیدریغ اداره کل ارشاد اسلامی سمنان و فیلمبرداری از آثار معماری میدان باستانی دلازیان توسط فیلمبرداران این اداره کل موجب دلگرمی هیات و درخور تقدیر است و همچنین از همراهی عملی جناب آقای ابوالمعالی سپاسگزاری بعمل می آید. از همیاری صمیمانه جناب آقای مهندس دانشور و اعضای دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی بویژه کارگران با تجربه ای که هیات را در پاکسازی بنای تپه (و) یاری نموده اند بدینوسیله قدر دانی میشود. هیات بررسی سپاسگزار میهمان نوازی شرکت مخابرات سمنان در مساعدتهائی که طی اقامت هیات در مهمانسرای مخابرات معمول شده خواهد بود.

تهیه این گزارش مبتنی بر زحمات شبانه روزی اعضای هیئت آقایان: فرنوش در کلیه امور بررسی، رضا قربانزاده در تهیه نقشه ها و سایر امور مربوطه، عباسی وزین آبادی رانندگان هیات بوده است.

محمد مهریار احمد کبیری

● ۱- پاره‌ای از گفته‌های مورخین درباره سمنان

استان سمنان (قومس) به روایت بعضی از مورخین و سیاحان دوران اسلامی که از این محل بازدید نموده و یا از آن ذکری بعمل آورده‌اند .

قومس - و اما قومس (کومش) بزرگترین شهر آن دامغان است که از خوار واقع درری بزرگتر است و سمنان از آن کوچکتر و بسطام هم از سمنان کوچکتر است (ابن حوقل)

احمد بن ابی یعقوب تحت عنوان نیشابور از قومس چنین یاد میکند: از قومس برجاده بزرگ تا شهر نیشابور نه منزل راه است (البلدان) قومس خوره ایست فراخ و دلگشا با میوه خوب هشتاد در هفتاد فرسنگ بیشتر آن کوهستان است . شهرها اندک و کم جمعیت ولی چارپا (گوسفند) بسیار دارد خراجشان سنگین ، هوایشان معتدلست (آبادیها خوب ، دژها استوار ، مردم نیکخواه ، دانش دوست در هنر ماهرند) قصبه آن دامغان شهرهایش : سمنان ، بسطام زغنه ، بیار ، مغون (احسن التقاسیم - مقدسی)

ایالت کوچک قومس در دامنه جبال البرز واقع است و ارتفاعات الیرز حد شمالی آن است این ایالت از سرزمین کم پهناور و باریکی که میان کوههای البرز در شمال و کویرلوت در جنوب محصور است تشکیل میگردد و شاهراه بزرگ خراسان که از ری در اقلیم جبال میآید و به نیشابور در خراسان منتهی میگردد از سراسر ایالت قومس میگذشت و همه شهرهای مهم این ایالت جزء خراسان جدید شده و قسمتهای باختری آن نیز یکی از نواحی ری یعنی طهران کنونی گردیده است . اعراب این نام را قومس و ایرانیان قومس تلفظ میکنند . (جغرافیای تاریخی سرزمین خلافت‌های شرقی - لسترنج)

قومس بضم اول و سکون ثانی و سین محمله قومس را اقلیم چهارم طولش $\frac{1}{4}$ ۷۷ درجه و عرضش ۳۵ و ۳۶ درجه این کلمه معرب قومس است و آن سرزمین بزرگ و پهناور که چند شهر و روستا و مزرعه را در بر میگیرد در دامنه کوههای طبرستان واقع شده و بزرگترین شهر آن دامغان است که مشهور میباشد و آن شهر میان ری و نیشابور

قرار گرفته و از شهرهای قومس بسطام و بیار (معجم البلدان - یاقوت حموی) است .

و هم چنین نواحی ری و نواحی خوار بر حد این بیابان نهاده است ، و سمنان و دامغان از ناحیت قومس (مسالک و ممالک - اصطخری) قومس ناحیه‌ای است در طول عحیه و عرض لو که در اللباب آمده که قومس به ضم قاف و سکون واو و فتح میم و در آخرش سین بی نقطه . آن را به فارسی کومش گویند و آن از بسطام تا سمنان و این دو شهر از کومش بحساب آیند (تقویم البلدان - ابوالفدا) اول آتشکده‌ای که بنا کردند آنست که افریدون در طوس بنا کرده و یکی دیگر در بخارا که آنرا بردیون خوانند و بهمن آتشکده‌ای در سجستان بنا کرد و کرکرا خواند و مجوسرا آتشکده‌ای بود در نواحی بخارا آنرا قبادان گفتند و آتشکده‌ای در میانه فارس و اصفهان کیخسرو بنا کرد و آنرا کویسه نام کرد و در قومس آتشکده دیگر بنا کرد و آنرا جریر نام کرد . (الملل والنحل - ابوالفتح محمد عبدالکریم شهرستانی)

سمنان از اقلیم چهارم است طولش از جزایر خالدات فج و عرض از خط استوالو طهمورث ساخت هوایش معتدل و آبش از رود واز میوه‌هایش انار و نستق و انجیر بغایت نیکو باشد (نزهة القلوب - حمدالله مستوفی)

کومش ناحیتی است میان ری و خراسان بر راه حجاج و اندر میان کوههاست و این ناحیتی آبادان و با نعمت است و مردمانی جنگی و از وی جامه کنیس خیزد و میوه‌هایی که اندر همه جهان چنان نباشد و از آن به گرگان و طبرستان برند . (حدود العالم من المشرق الی المغرب ، سال ۳۷۲ هجری)

● ۲- موقعیت جغرافیائی میدان باستانی دلازیان (چشمه‌شیخ)

این میدان در هشت کیلومتری جنوب شرقی شهر سمنان امروزی و در پانصد متری جنوب خم رودخانه گیناب واقع شده ، بستر رودخانه در ژرفای دره‌ای نسبتاً عمیق از سوی شمال غربی ، میدان باستانی را دورزده و در راستای جنوب شرقی از آن دور می‌گردد . در آن سوی رودخانه رشته‌کوههایی با بلندی یکنواخت دیده می‌شود که پایانی برای منطقه قابل زیست و آغازی بر کاسه کویر بشمار می‌آید . در این سوی رودخانه ، اراضی پیرامون میدان باستانی ، هموارو دارای شیب ملایمی از شمال غربی بسمت جنوب شرقی است و لیکن اراضی جنوب شرقی میدان با شیب تندتری به رودخانه منتهی می‌شود . کشت و کار در زمینهای پیرامون شهر سمنان تا فاصله دو کیلومتری شمال و غرب میدان گسترش یافته و در این فاصله پوشش گیاهی تدریجاً کم می‌شود . در سطح میدان و زمینهای پیرامون آن ، بوته‌های پراکنده خودرو وجود دارد ، و از میدان تا رودخانه از تراکم آنها کاسته شده و در اطراف رودخانه به حداقل می‌رسد . آب مورد نیاز زمینهای کشاورزی اطراف شهر سمنان از قناتهای بیشماری تامین می‌شود . حلقه‌های رشته قنات‌ها در تنگ یکدیگر در زمینهای مجاور شهر بگونه‌ایست که امتداد رشته قنات‌ها در یکدیگر متداخل مینماید ، بویژه در جنوب شرقی شهر و بر سر راه میدان باستانی چشمه شیخ تعداد آنها بسیار زیاد است و تدریجاً " بطرف جنوب پراکنده شده و آب آنها بر سطح زمین جاری می‌گردد . دورترین آنها از شهر سمنان بر سر راه میدان باستانی ، در دو کیلومتری شمال چشمه شیخ بصورت چشمه‌ای روان ظاهر می‌شود . پس از این مدار بجز چشمه‌های آب درون میدان و یکرشته قنات متروک نشانی از آب و آبیاری نیست . از این رشته قنات متروک تنها برجستگیهای هموار شده‌ای ، در راستای شمال شرقی میدان باقی مانده که بدواً جلب نظر نمیکند .

هر چند که امروزه زمینهای پیرامون میدان بایر است ، لکن

وجود برجستگیهای هموار شده‌ای که بمیدان ختم می‌شود ، احتمال وجود یکرشته قنات را که مظهر آن در اراضی میدان و یا پیرامون آن باشد تلقین مینماید ، و بدون شک احداث آن را میبایست در پیوند با بنیادگزاران آثار موجود در میدان باستانی ، بویژه سازندگان آثار معماری نهفته در تپه‌های موجود مطالعه و کاوش نمود . در دیگر میدانهای باستانی جنوب شهر سمنان نیز چاههای قنات بصورت برجستگیهای هموار شده‌ای که راستای آنها به آثار باستانی ختم می‌شوند ، همانند با قنات میدان چشمه شیخ دیده می‌شود ، و از جمله قنات منتهی به گنجی تپه (بوزک تپه) را میتوان در این شمار آورد . با این تفاوت که در پیرامون این تپه کشاورزی تاکنون ادامه داشته ولیکن آبیاری در آنها سطحی است ، در این مورد نیز زمان احداث قنات راکه خاکریز حلقه چاههای آن بصورت برجستگیهای هموار شده ممتد ، دیده می‌شود ، میبایست در ارتباط با زمان شکل‌گیری آثار گنجی تپه دانست .

علاوه بر چشمه‌های مظهر قنات‌ها چشمه‌های دیگری در جنوب شهر سمنان در مسافتی مشابه با چشمه‌های شیخ وجود دارد . با توجه به نقشه‌های موجود در فاصله بین ۵۳ و ۳۰ و ۵۳ و ۲۰ طول شرقی و در دوروبر عرض شمالی ۳۵ و ۳۰ میتوان از چشمه علی اصغر چشمه گاوها ، چشمه نظر ، و چشمه تپه‌های میرک (نه تپه) نامبرد که همانند چشمه‌های میدان باستانی چشمه شیخ ، طبیعی بنظر میرسند . از این بین هفت تپه چشمه شیخ و نه تپه میرک در ۳/۵ کیلومتری جنوب آن واقع شده از لحاظ شکل ظاهری قابل مقایسه‌اند و در این قیاس میبایست میدان ۹ تپه صوفی آباد را که در فاصله دورتری در جنوب غربی تپه‌های میرک قرار دارند بشمار آورد . از قرار اطلاع آب چشمه‌های طبیعی فوق‌الذکر برای حیوانات وحشی مانند آهو قابل استفاده می‌باشد ، و در زمان حاضر نیز حیوانات وحشی چون روباه و آهو در این منطقه دیده می‌شوند . سازمان حفاظت محیط زیست حیات وحش حاشیه کویر را تحت حمایت قانون در آورده و از شکار بی‌رویه آنها جلوگیری بعمل می‌آورد .

تراکم بقایای آثار باستانی در محدوده جنوب سمنان، در دور و بر چشمه‌های آب، با آب و سایر جاذبه‌های زیستی رابطه ای مستقیم دارد. با توسعه شهر سمنان امروزی بطرف شمال و وجود محله‌های قدیمی کدیور، کوشقان و زاوغان در جنوب آن که مجموعاً "در شمال محدوده جغرافیائی مورد نظر قرار دارد و همچنین با وجود میدانها و تپه‌های باستانی در جنوب منطقه و حاشیه کویر، میتوان استقرار انسان را در جنوب این منطقه و جابجائی استقرار را از جنوب به شمال و از قدیم به جدید، از گذشته‌های دور تا کنون دانست. (نقشه شماره ۱)

دستیابی به ارزشهای فرهنگی این منطقه و شناسائی تاریخ علمی آن نیازمند بررسی وضع موجود از دیدگاه تخصصهای مختلف به همراه مطالعات و کاوشهای باستانشناسی میباشد. تجزیه و تحلیل آثار یک مورد کاوشهای باستانشناسی قرار میگیرند با اطلاعاتی که از کیفیت و استعداد های زمین، پراکندگی و بافت اجتماعی و بررسی چگونگی همسازی انسان و طبیعت در اقلیم مورد مطالعه، کامل خواهد گردید. بعلت وجود وضعیتی خاص در منطقه سمنان از قبیل: میزان اندک بازده کار انسان بر روی زمین و به تبع آن پراکندگی خانوار،

نزدیکی کوهستان سردسیر و پرنعمت شمال به حاشیه کویر گرمسیر، کوچ بین این دو مدار کاملاً متفاوت، وجود گیاههای دارویی و وجود حیوانات وحشی قابل شکار، و دیگر استنباطاتی که از وجود قلعه‌های مجزا و تنگاتنگی که در کنار یکدیگر احداث شده‌اند و همچنین وجود راه اصلی شرقی - غربی و شاخه‌ای از جاده ابریشم از میان تپه‌ها و میادین باستانی و احتمالاً "بین قلعه‌های نزدیک بهم دست میدهند و همچنین روابط اجتماعی موجود در بین خانوار هلی پراکنده در زمینهای قابل کشاورزی با محصول کم و دامداری محدود که خود با احتمال زیاد انعکاسی از زندگی نیاکان ما طی تاریخ طولانی استقرار در منطقه بشمار می‌آید، مجموعاً " شرایط ویژه‌ای را تشکیل میدهد که در زمینه‌های مختلف علمی و سابقه تاریخی هر یک از علوم بویژه باستانشناسی حائز اهمیت فراوان میباشد. مقتضای ضرورت مطالعات در زمینه‌های علمی زیر بموازات گسترش بررسی‌های باستان شناسی قابل پیشنهاد است:

- مطالعات زمین شناسی در ارتباط با چگونگی لایه‌های خاک و تحولات این سرزمین طی دوره‌های مختلف و تاثیرات آن بر مبانی زیستی در ده هزار سال اخیر همراه با آشناسی منطقه در ارتباط



تصویر جاده سنگ فرش (شرق کهک در حاشیه کویر). دید به سوی شرق

با وضعیت سفره‌های آبی و منابع آب و بطور کلی شناسایی کانیه‌های قابل استفاده در روزگار گذشته .

— مطالعات زیست‌محیطی در ارتباط با حیوانات وحشی، منابع غذایی و چراگاه‌ها .

— مطالعات گیاه‌شناسی در ارتباط با پوشش گیاهی منطقه و گیاهان دارویی

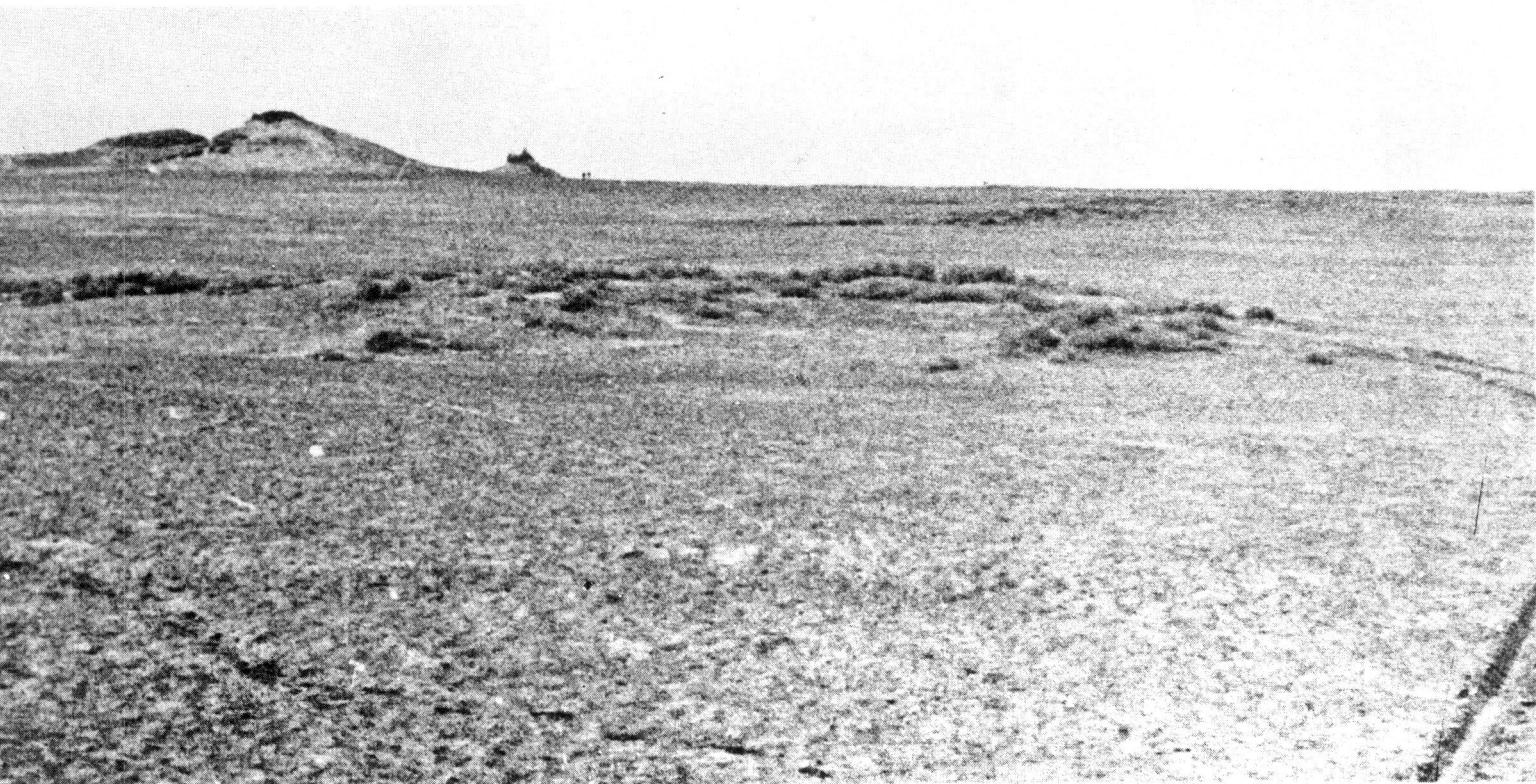
— مطالعات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی از لحاظ وضع خانوار سنتها، پیوندهای قومی و ترکیب جامعه بومی، قبیله‌ای و کوچ آنها در فاصله بیست کیلومتری کویر تا کوه، که نهایتاً "با جمع بندی این اطلاعات و سایر زمینه‌هایی که تدریجاً در حین بررسی با آن برخورد خواهد شد، نتیجه‌گیریهای کاملی در زمینه‌های مختلف علمی عاید خواهد نمود .

● ۳- چگونگی وضع کنونی میدان باستانی

راه ویژه‌ای برای دسترسی بمیدان چشمه شیخ بوجود نیامده، از کنار چاه‌های قنات‌های تودرتوی جنوب سمنان با گذشتن از روستای خیرآباد و راه‌هایی که در کنار زمینهای کشاورزی ایجاد شده تا دو کیلومتری میدان میتوان رسید و پس از این، همه جا راه است. از پایان اراضی کشاورزی نمای هفت تپه نزدیک بهم دیده میشود. هر چند جایگیری تپه‌ها در کنار هم شکل هندسی ویژه‌ای ندارد. اما از هر سو که بدانها بنگریم همواره هفت برجستگی از دور دیده میشود. بلندی آنها یکسان نیست ولی تفاوت زیاد هم ندارد و همینطور نابرابری درازا و پهناهای هریک بر دیگری زیاد نیست. (تصویر شماره ۱)

فاصله بین دامنه‌های پست تپه جنوبی تا دامنه‌های پایین تپه

(تصویر شماره ۱) دورنمای میدان باستانی دلازیان (چشمه شیخ) در هشت کیلومتری جنوب سمنان و حاشیه کویر، دید بیه سوی شرق



شمالی بالغ بر دویست و سی متر و فاصله مشابه از تپه شرقی تا تپه غربی معادل سیصد متر است .

زمینه بستر میدان مستوی بنظر میرسد ولی وسعت دامنه‌های هر یک از تپه‌ها متفاوت است و تپه‌های کوچکتری نیز بر دامنه کنار تپه‌های بلند ، جای دارند

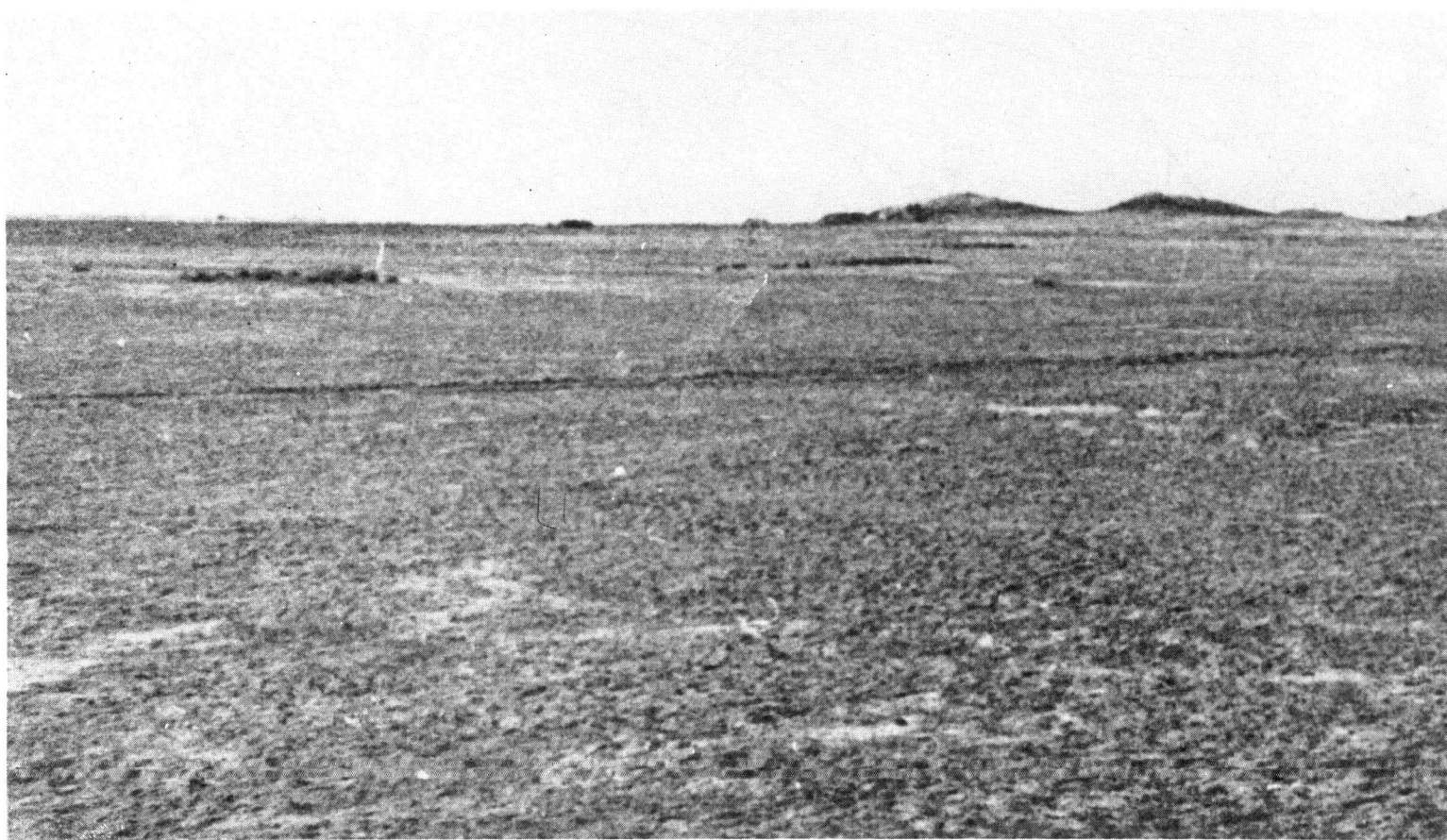
۳-۱- تپه گوشه جنوب شرقی با بلندی چهارده متر از دیگر تپه‌ها بلندتر است .

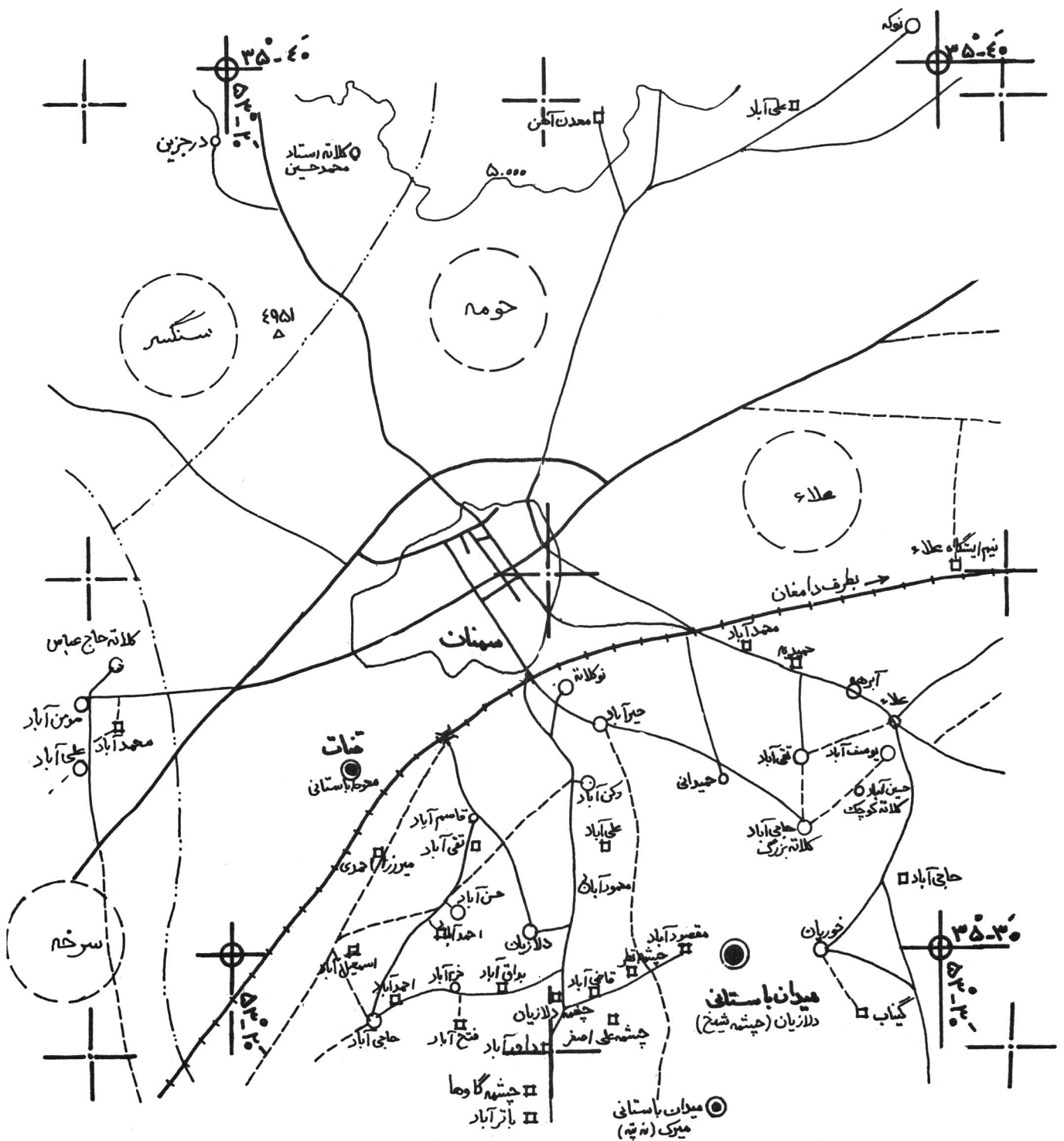
(لازم به یادآوری است که ابعاد زمین و تپه‌ها با وسایل ابتدائی اندازه‌گیری شده و ممکن است دقت لازم را نداشته باشد) .

بزرگترین ابعاد دامنه‌های مرتفع این تپه که با حرف (الف) بر روی نقشه مشخص شده در راستای شمالی جنوبی شصت متر و در امتداد شرقی غربی به پنجاه متر بالغ میگردد ، وجود آثار معماری

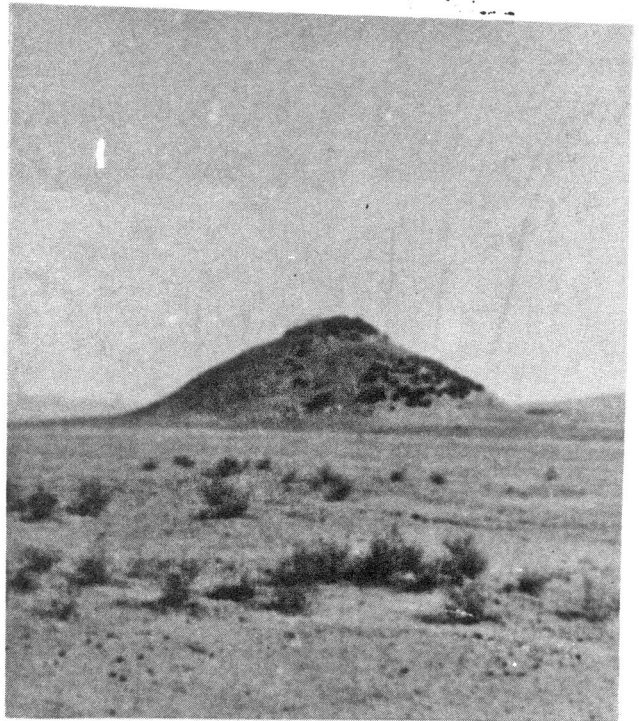
در این تپه محتمل است و لیکن اثر مشخصی از معماری آن مشهود نیست . (تصویر شماره ۲)

۲-۳- تپه (ب) در فاصله چهل و پنج متری شمال غربی تپه الف قرار دارد و مشتمل بر دو بخش شرقی و غربی است که دامنه‌های آنها در هم شده و در سطوح پائین یک پارچه مینماید ارتفاع بخش شرقی (ب-۱) از دامنه‌های پائین خود به ده متر میرسد و بلندی بخش غربی بمیزان سه متر کمتر است . مجموع طول دو تپه در جهت شرقی - غربی با کمی انحراف به یکصد متر میرسد و اندازه طول شمال جنوبی در جهت عمود بر آن به شصت متر بالغ میگردد . بر شیب دامنه‌های شرقی تپه ، آثار یک دیواره کوتاه بر محیط فضای مستطیل شکلی به ابعاد بیست در بیست و پنج متر دیده میشود . بر دامنه‌های پائین شمال تپه (ب-۱)





(نقشه شماره ۱) موقعیت آثار باستانی در محدوده اولین فصل بررسی استان سمنان - پاییز ۱۳۶۳



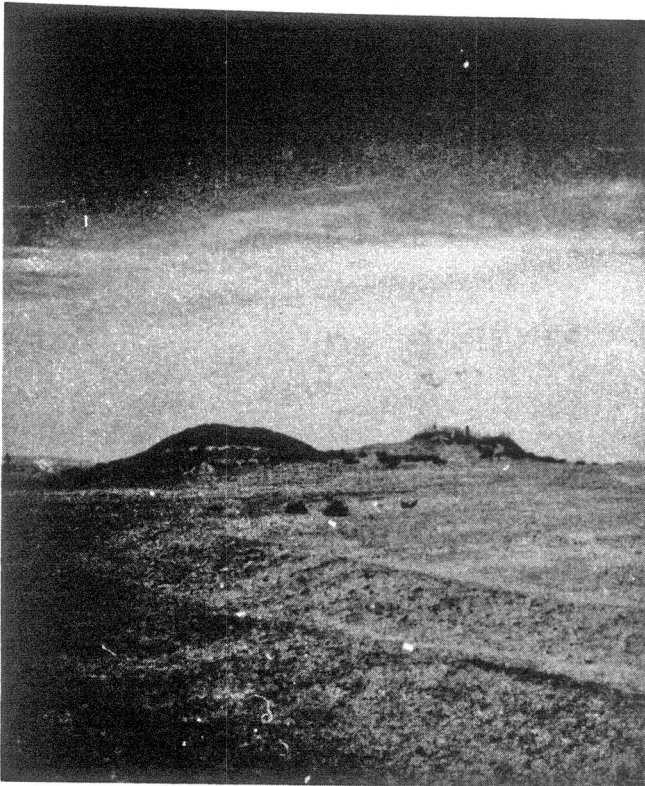
(تصویر شماره ۲) تپه (الف) در گوشه جنوب شرقی میدان

باستانی دلازیان - دید به سوی شرق

آثار خاک سبز رنگ مشاهده شد که در سطوح فوقانی نیز گسترش یافته و بجز بخشهای جنوبی در پیرامون تپه (ب-۱) دیده میشود. در اطراف تپه‌های الف و (ب-۱) و (ب-۲) بجز دو قطعه سفال مربوط به قرن ششم هجری اثری از سفال و سایر مدارک باستانشناسی و معماری بدست نیامد (تصویر شماره ۳)

۳-۳- تپه (ج) در منتهی الیه شمالی میدان قرار دارد و بزرگترین ابعاد سطوح پائین تپه در جهت شمالی جنوبی بیست و شش متر و در جهت شرقی غربی هیجده متر با ارتفاعی معادل شش متر از پائین‌ترین دامنه است. در سطح فوقانی آن نیز نيزار کوچکی دیده میشود. در دامنه‌های جنوبی آثار خاکستر و در پیرامون آن سفال و تعدادی تیغه سنگی مشاهده شده است.

۳-۴- تپه (د) این تپه با کمی انحراف بطرف جنوب در غرب تپه (ج) و با فاصله چهل و دو متری از آن قرار گرفته بلندی آن از سطح دامنه‌های تپه بالغ بر شش متر و ابعاد آن در جهت شمالی

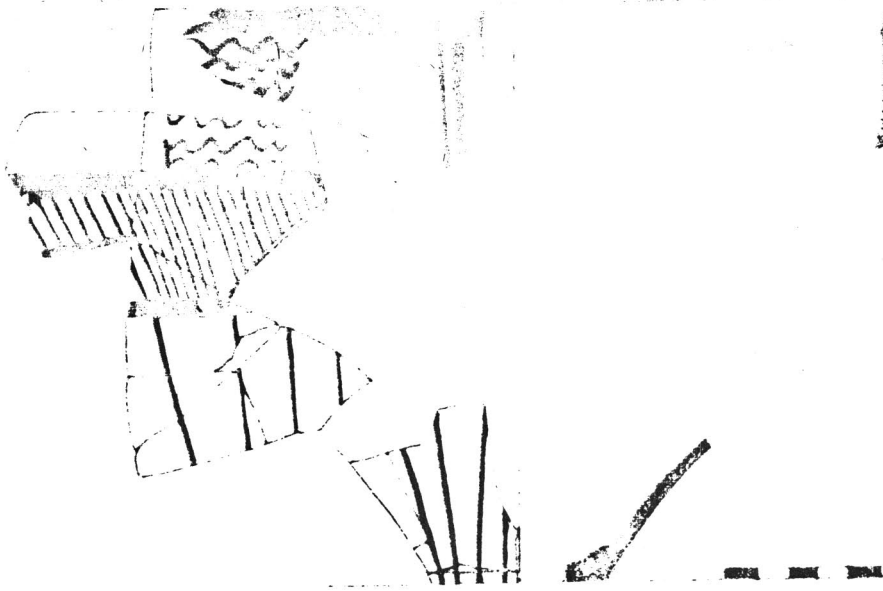


(تصویر شماره ۳) تپه (ب) . دید به سوی شمال

جنوبی چهل متر و در جهت شرقی غربی چهل و پنج متر است. در دامنه‌های شمالی در ارتفاعی معادل دو متر خاک سبزرنگ دیده شده و در راس آن چشمه آب کوچکی بقطر هفتاد سانتیمتر و با عمقی معادل قطر دهانه فوقانی قرار دارد که در صورت تخلیه آن پس از چند ساعت سطح آب بالا آمده ولی همواره ثابت میماند در اطراف چشمه نيزار کوچکی بر سر تپه روئیده و در دامنه‌های جنوبی تپه آثار سفال و تیغه و ابزار سنگی یافت شده است.

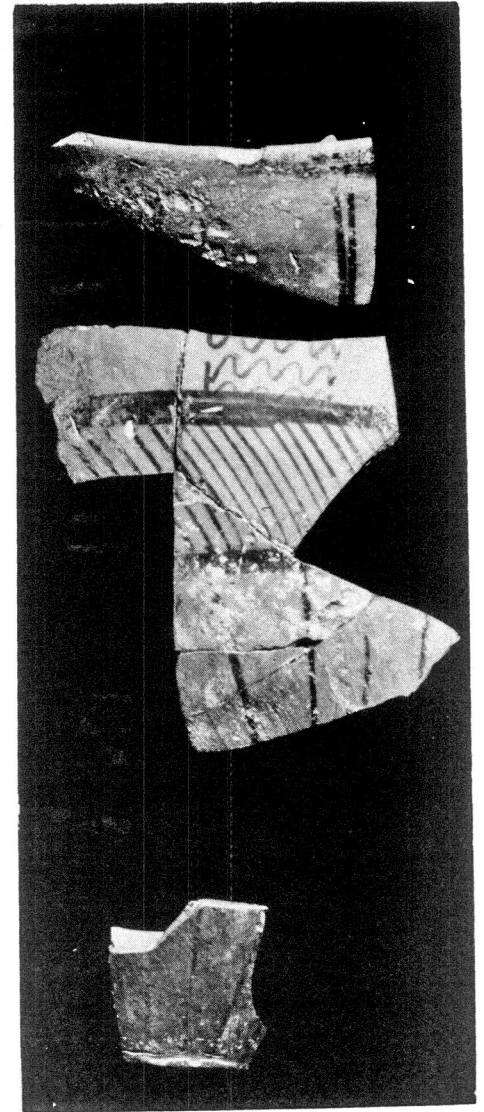
۳-۵- تپه (ه) در میان میدان واقع شده و بزرگترین ابعاد دامنه آن ۲۵×۳۵ متر است. و بلندی آن به چهار متر میرسد در سطح فوقانی آن دخل و تصرفاتی بعمل آمده و خشتهای بنای نهفته در آن قابل تشخیص میباشد در اطراف این تپه سفالینه‌های زیاد همراه با تیغه‌ها و ابزار سنگی جمع آوری شده است.

در فاصله بیست متری غرب تپه چند قطعه سفال قرمز رنگ از یک ظرف با نقوش هندسی سیاه مایل به قهوه‌ای (سفال شماره ۱)

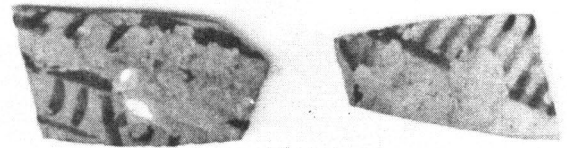
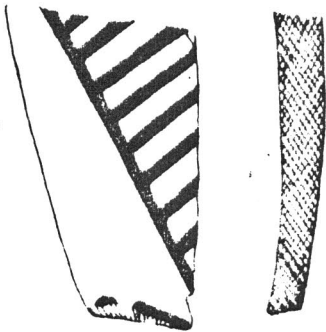


(طرح شماره ۱) سفال (ردیف ۱) (رجوع به صفحه ۴۱)

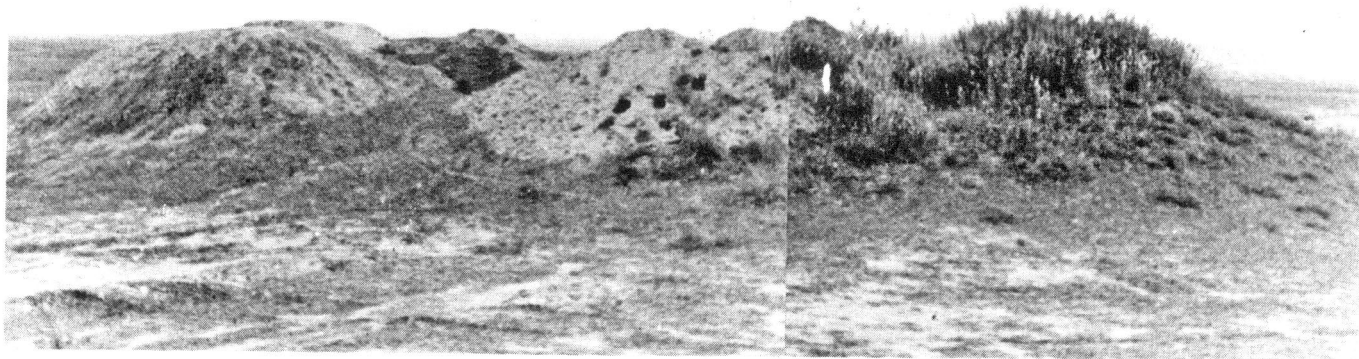
(طرح شماره ۲) سفال (ردیف ۲)



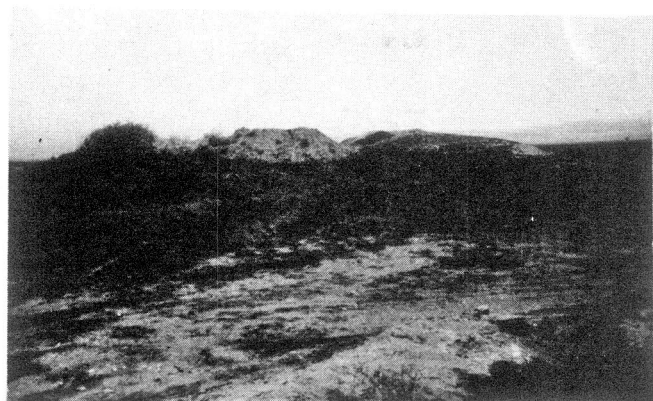
(تصویر شماره ۴) سفال (ردیف ۱) با نقش سیاه بر روی زمینه قرمز رنگ. (رجوع به صفحه ۴۱)



(تصویر شماره ۵) سفال (ردیف ۲) نخودی رنگ منقوش



(تصویر الف-۶) نمای عمومی تپه (و) دید به سوی شمال



(تصویر ب-۶) نمای تپه (و) دید به سوی شرق

که حاشیه شمالی میدان را شامل میشود و تپه کوچک و چند برجستگی هموار شده دیده میشود .

۸-۳- تپه (ح) ابعاد راستای شمالی جنوبی این تپه پنجاه متر و در راستای شرقی غربی چهل متر و ارتفاع آن به هفت متر بالغ میگردد . این تپه در جنوب تپه (و) و فاصله پانزده متری از آن وبالاخره در گوشه جنوب غربی میدان واقع شده است . (تصویر شماره ۸)

در دامنه های شمالی تپه و در شیب مشترک آن با تپه (و) آثار دیواره ی کوتاهی که فضای مربع شکلی را محدود نموده است مشاهده میشود که ابعاد آن بالغ بر ۳۰×۲۶ متر است . آثار معماری درون این تپه از طریق دامنه های جنوبی مورد تجاوز قرار گرفته و یا خاک برداری بهلی

(تصویر شماره ۴) (طرح شماره ۱) و دو قطعه سفال منقوش نخودی رنگ (سفال شماره ۲) جمع آوری گردیده که بنوبه شایان توجه و در خور مطالعات باستان شناسی است (تصویر شماره ۵) (طرح شماره ۲) ۶-۳- تپه (و) این تپه در مجاورت تپه (ه) و فاصله ده متری غرب آن قرار گرفته و درازای آن شصت متر و پهنای آن بالغ بر سی و پنج متر و ارتفاع بخش شمالی آن به هفت متر میرسد . (تصاویر شماره ۶) در اطراف این تپه سفال و تیغه های زیادی بویژه در حاشیه شمالی آن دیده میشود که ناشی از خاکبرداری غیر مجاز در نقاط مختلف تپه است . بخش میانی تپه توسط ماشین آلات سنگین تا عمق پنج متر و نزدیک به ریشه تپه خاکبرداری شده که طی آن آثار معماری ارزنده ای مورد تخریب قرار گرفته است . (بقایای آثار معماری تخریب شده بطور جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته و گزارش مربوط به آن در همین شماره درج شده است) . در بخش جنوبی تپه نیز آبنو هتتر از نیزار فراز تپه (د) وجود دارد ولی اثری از آب چشمه قابل رویت نیست . (تصویر شماره ۷)

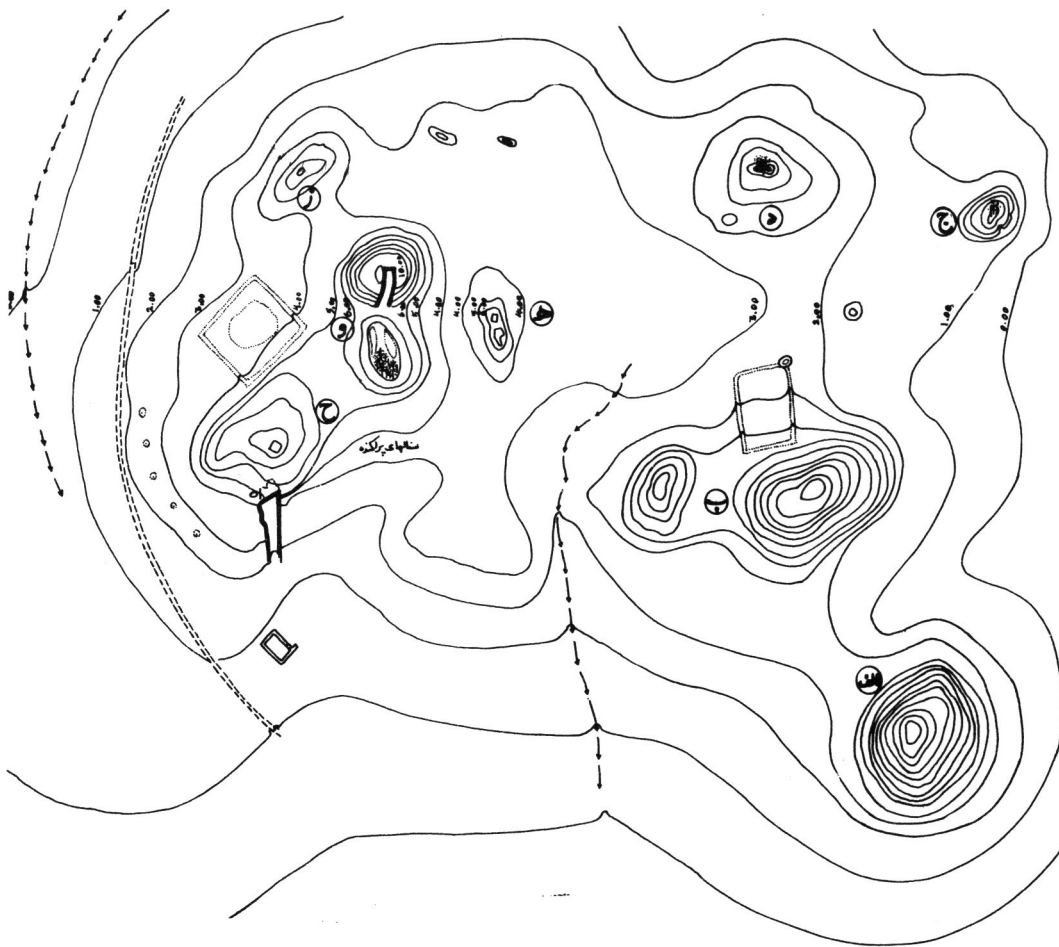
۷-۳- تپه (ز) در گوشه شمال غربی میدان و شمال غربی تپه (و) و فاصله بیست و پنج متری از آن واقع شده است ابعاد شمالی جنوبی تپه سی و پنج متر و شرقی غربی آن بالغ بر پانزده متر و ارتفاع آن چهار متر است . در فاصله بین تپه (ز) تا تپه (د)



(تصویر شماره ۷) نمای جنوبی تپه (و) در میدان باستانی دلازیان ، که توسط آزمندان کوتاه اندیش با امید واهی به یافتن گنج و سوء استفاده از ماشین آلات عمرانی مورد تخریب قرار گرفته و طی آن اسناد ارزشمندی از میراث هنر و معماری نیاکان مردم این مرز و بوم بتاراج رفته است .



(تصویر شماره ۸) تپه (ح) . دید به سوی غرب



آب و هوا
 حفره حیات
 برجک بتیابی پناه
 تپه
 تخریب شده در بنا
 کندن و گدای آستی تیربار
 فاصله خود از زمین نخعی نامبر ۱ متر شمال
 ۰ ۱۰ ۲۰ ۳۰ متر

دانش فزنی و آموزش عالی
 دفتر مهندسی
 هیئت بررسی و شناسایی آثار باستانی سمنان
 کوهکامپون تپه های چشمه شیخ
 تپه دزیم ، رضا خرابه
 پاییز ۱۳۶۳

(نقشه شماره ۲) نقشه مجموعه تپه های میدان باستانی دلازیان

که دستخوش تاراج سودجویان شده ، تا چندی قبل آثار فرهنگی ارزشمندی را طی قرون متمای از گزند حوادث مصون داشته و چون پیک صاقد ، اسرار سربمهر پدران را از اعماق تاریخ برای فرزندان خلف و آیندگان بارمغان میبرده است .

این آثار در سرد و گرم روزگار ، در مرز بین مرگ و زندگی در کنار کویر دوام آورده و حتی در هنگامه های یورش امواج دشمنان و مهاجرتهای ماجراجویان بیگانه ، لااقل طی سه هزار سال اخیر از دستبرد و تخریب راهزنان تاریخ برکنار مانده بودند ، اینها که چهره فرسوده خاک آلودشان ، هر ذره از عناصر وجودی شان درون مایه ای از گنجینه اسناد پنهان تاریخ علمی ماست ، با تجاوز فرومایگان ضد فرهنگ ، با استفاده از ماشین آلات عمرانی ، گنجینه فرهنگی مردم این سرزمین ، در شبی تاریک به تل خاکی بیمقدار

غیر مجاز بوسیله ماشین آلات سنگین آثار معماری خشتی درون آن تخریب شده است . ابعاد تخریب و چگونگی خاکبرداری بطور یستکه تشخیص هویت آثار معماری آن مستلزم تجهیزات و فرصت زیاد میباشد و امکان حفاظت از باقیمانده معماری تخریب شده نیز نیازمند تدابیر ظریف و فرصت و تجهیزات و هزینه زیاد میباشد . (در این مورد نیز کوشش مختصری که در تشخیص ابعاد و شکل معماری آن بعمل آمده بطور جداگانه گزارش شده است) (نقشه شماره ۲)

● ۴- اشاره ای بر چگونگی تخریب بنای پنهان در تپه (و) و تپه (ج) رد چرخ ماشین تخریب و جای شیارهای تیغ بیل مکانیکی بر توده های ازخشت و خاک بهم فشرده ، داغ آشفتنگی را بر چهره خاک آلود تاریخمان نهاده است . این تپه خاکی همانند تپه های بسیاری

بدل گردید . در بدو امر تصویر فشار چرخ و تیغه ماشین تخریب و ابعاد ویرانی قبل از رویت سیمای آثار باقیمانده بچشم میخورد و بیان ابعاد عناصر و شناسائی هر جزء مستلزم اشاره به عنوان تخریب بخش اعظم آن جزء است . لذا موضوع تخریب و تجاوز به حریم میراث فرهنگی و پیگیریهای قانونی و حقوقی که مبحثی جدا از بررسی و معرفی اثر است ، بناچار در مقدمه مورد اشاره قرار گرفته است .

● ۴-۱- شناسائی معماری تپه (ح)

یورش ماشین تخریب ، برخلاف تپه (و) که از سطوح فوقانی بدرون تپه نفوذ کرده بود در تپه (ح) از دامنه های کم ارتفاع تپه و از سمت جنوب صورت گرفته . بهمین لحاظ بقایای آثار خشتی در ارتفاع پنج متری بصورت معلق باقی مانده اند ، که هر آن بیم سقوط خشت و خشتهائی می رود و احتمال سقوط مجموعه توده های خشتی نیز بهمان میزان زیاد است (تصویر شماره ۹) .

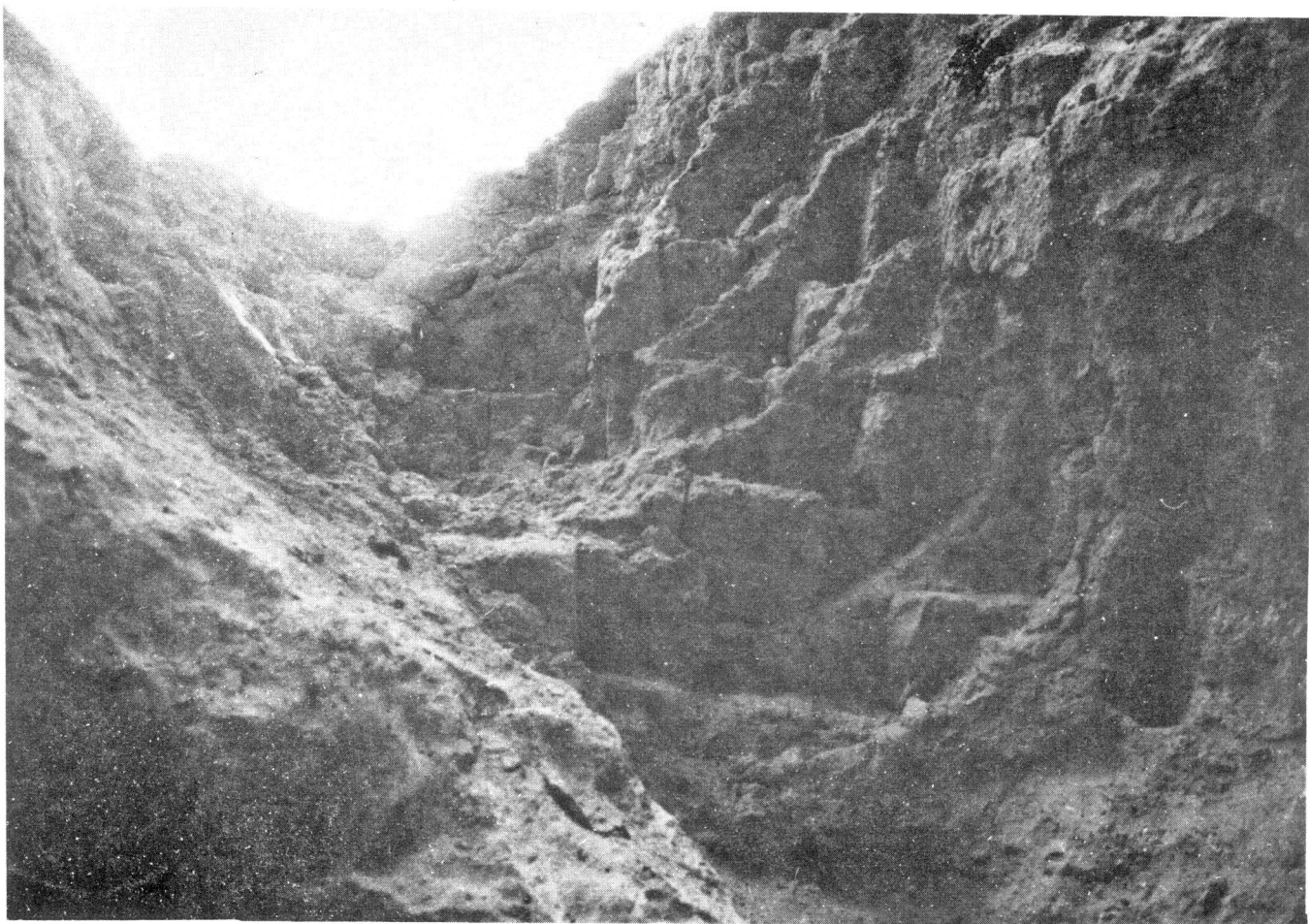
از قرائن موجود چنین بر می آید که کف بنا در ارتفاع سه متری از سطح دامنه تخریب شده قرار داشته است . بقایای دو دیوار که شالوده سنگی آنها بموازات یکدیگر در جهت شرقی غربی بوده بنحوی درهم کوبیده شده اند که مشخصات آنها بدون پیگردی دقیق قابل ثبت و ضبط و اندازه گیری نمیباشد . در سطوح فوقانی دیوارها با خشت بنایی شده و مرز بین سنگ و خشت را نمیتوان بدرستی مشخص نمود . مقاطع موجود از معماری این بنا الفاگر شکل یک ایوان روبه مشرق از بنای مدفون در تپه میباشد لکن با توجه به انهدام بخش شرقی و جنوبی آن احتمال دارد دو دیوار موجود مربوط به ساختمان ایوان نبوده و بشکل تالار بوده باشد .

این بنا بر توده ای از سنگهای رسوبی سست و فرسوده استوار شده که سطح پوسیده آن سبز رنگ است و در دیگر نقاط میدان و در ریشه تپه ها بصورت خاک سبز رنگ دیده میشود که احتمالاً ادامه همین لایه سنگی سبز رنگ میباشد . در قسمت میانی سنگ سبز رنگ فضای تونلمانندی در جهت شرقی غربی دیده میشود



(تصویر شماره ۹- نمای جنوبی تپه (ح) در میدان باستانی دلازین این اثر نیز پس از گذشت چهار سال از تخریب تپه (و) در سال ۱۳۶۳ مورد تجاوز قرار گرفته و آنجا که در پی یافتن گنجی از طلا آنرا ویران نموده اند گنجینه ارز شمندی از اطلاعات هنری و معماری و باستانشناسی را از بنیاد منهدم نموده اند

که احتمالاً " بدنه جنوبی آن توسط ماشین تخریب منهدم گردیده است . تصور میرود که این تونل در گذشته های دور و شاید در زمان شکل گیری آثار معماری محل عبور آب بوده باشد . شالوده دو دیواره بنای فوقانی از سنگ و ملاط گل ساخته شده و خشتهای بکار رفته در این بنا به ابعاد ۲۸ × ۳۶ × ۱۱ و ۴۰ × ۳۰ × ۱۱



(تصویر شماره ۱۰) خشتهای معلق بنای باستانی تپه (ح) نتیجه تخریب با ماشین آلات آزمندانی است، که از پس دست یابی به گنج، شالوده استوار آنها را (که طی چند هزار سال پابرجا باقی مانده بود) از ریشه ویران گردانیده اند

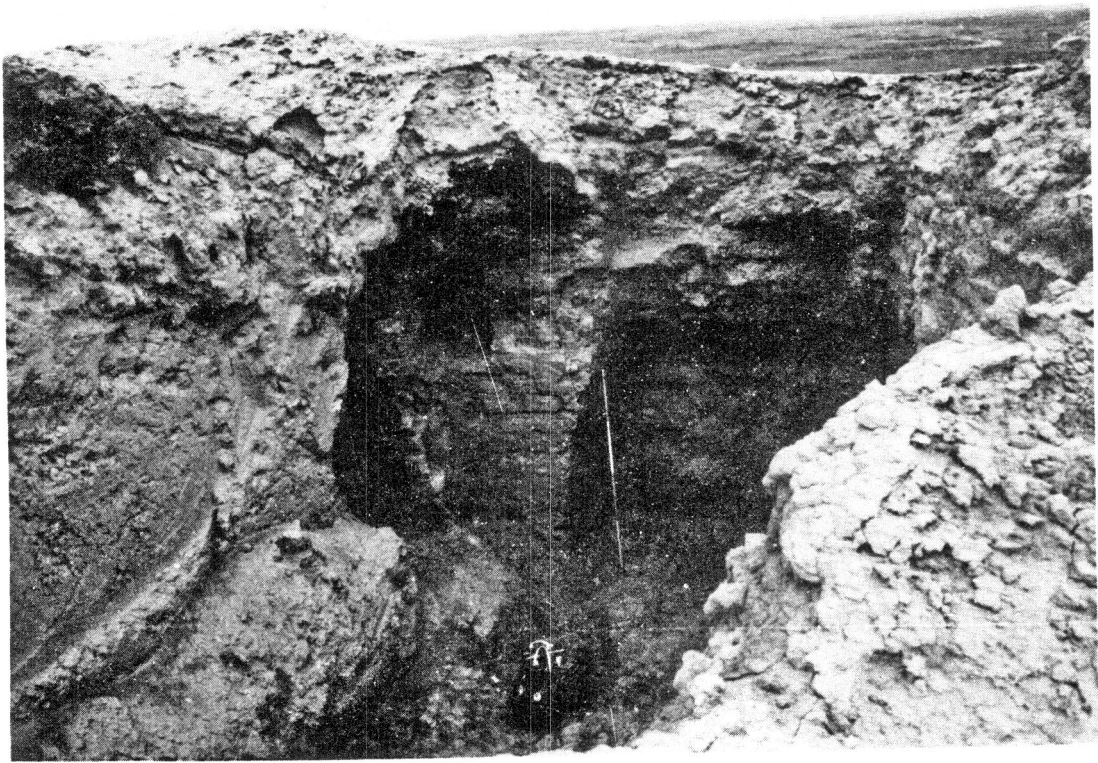
بوده و بقایای موجود آن، گواهی بر ارزشمندی سایر عناصر پنهان در تپه است. (تصویر شماره ۱۱)

بقایای آثار موجود حاکی از وجود دو (تالار) تودرتو و یک راهروی جانبی (در غرب) میباشد که درازای مجموع آنها در جهت شمالی جنوبی است. آثاری که بر اثر تجاوز مورد انهدام قرار گرفته اند مشتمل است بر: پوشش هردو تالار و بخشی از راهروی غربی، دیوار جنوبی، دیوار مشترک در میان دو تالار، دیوار شمالی، تمامی دیوار غربی در هر دو تالار، بخش اعظم دیوار شرقی، بخشی از کف تالار شمالی، و بطور کلی عناصر و جزئیاتی که در رابطه با عوامل فوق همراه بوده است. بخشهای باقیمانده عبارتند از: گوشه جنوب شرقی تالار جنوبی، گوشه شمال غربی تالار شمالی و بخشهایی از سکوی خشتی که احتمالاً " بر بنای اولیه

اندازه گیری شده است. با توجه به تشابه معماری و ابعاد خشتهای قدمت این بنا را میبایست به دوره ایجاد بنای تپه (و) و در حدود اوایل هزاره اول دانست. حفاظت از بنا مستلزم کاوش و بازسازی پی های منهدم شده و بررسی تدابیری برای ایجاد پایه زیر خشتهای معلق میباشد. (تصویر شماره ۱۰)

۴-۲- ابعاد ویرانه تپه (و)

محوطه ای به درازای تقریبی ده متر (در راستای شمالی جنوبی) و پهنای نزدیک به پنج متر و عمقی معادل پهنای محوطه مورد تجاوز و خاکبرداری قرار گرفته است. هر چند کمیتهای فوق ممکن است ناچیز بشمار آیند، لکن مدارکی که طی تخریب و تجاوز از بین رفته از لحاظ تاریخ معماری و باستانشناسی منطقه، دارای اهمیت زیادی



(تصویر شماره ۱۱) عمق تخریب و خاکبرداری از تپه (و) به بیش از ۵ متر بالغ میشود که طی آن بسیاری از مدارک ارزشمند تاریخی بنای پنهان در این تپه منهدم شده است . (دید بسوی شمال)

(تصویر شماره ۱۲) بقایای معماری بنای پنهان در تپه (و) ، پس از تخریب و خاکبرداری بوسیله ماشین آلات سنگین افراد غیر مجاز (دید بسوی جنوب شرقی)



الحاق شده است. و همچنین چند خشت در سطح فوقانی از دیوار جنوبی (گوشه جنوبشرقی) که طرزبنائی آن نشانگر وجود پوشش طاق گهواره‌ای (شرقی - غربی) بر تالار جنوبی است. وجود یک نیش بر دیوار شرقی (در کنج جنوبشرقی) که قوس آن قابل ترسیم است و همچنین بخشی از پوشش درگاه ارتباطی بین تالار شمال و واحد غربی (بر دیوار غربی از کنج شمالی) را میبایست بر مدارک باقیمانده معماری افزود.

بررسی مجموعه بقایای معماری (تالارها) از لحاظ شیوه ساخت مصالح، شکل و همچنین مطالعه کاربری آن در زمان شکل گیری بنا در ارتباط با اوضاع اجتماعی و فرهنگ مردم این مرز و بوم مستلزم کاوش‌های باستانشناسی و کسب اطلاعات علمی در زمینه‌های مختلف میباشد. (تصویر شماره ۱۲)

بنا بر ملاحظات فوق طی بازدیدی که جناب آقای مهندس شیرازی (سرپرست دفتر آثار تاریخی) و مدیرکل محترم ارشاد اسلامی و آقای ابوالمعالی از محل بعمل آوردند. پس از بحث و تبادل نظر کارشناسی ضمن تأیید اهمیت ارزشهای تاریخی معماری و باستانشناسی بنای منهدم شده، از بیان احساس حقارت در قبال مسئولیتی که نسل حاضر نسبت به میراث فرهنگی بر عهده دارد، دریغ نگردید. و برنامه مختصری در جهت شناسایی ابعاد مکتوم آثار درهم ریخته و تعیین هویت بیشتر آن تنظیم گردید که متعاقباً "بمورد اجرا گذاشته شد.

این برنامه کوتاه مدت (یک هفته) شامل :

- ۱- خاکبرداری از آواری که توسط ماشین تخریب متجاوزین درهم کوبیده شده
- ۲- حذف لایه‌هایی از خاک و خشت درهم کوبیده شده بر روی سطوح بیرونی آثار پنهان
- ۳- پیگردی و تعیین ابعاد واحدهای معماری (تالارها) بدون کندوکاو مجدد
- ۴- پیدا کردن سطح کف اصلی بنا

۵- تعیین قدمت بنا با اتکا به مدارکی که در لایه‌های زیرین (دست نخورده) بدست خواهد آمد.

۶- تهیه نقشه، عکس، گزارش و معرفی آثار جهت ثبت در فهرست آثار ملی

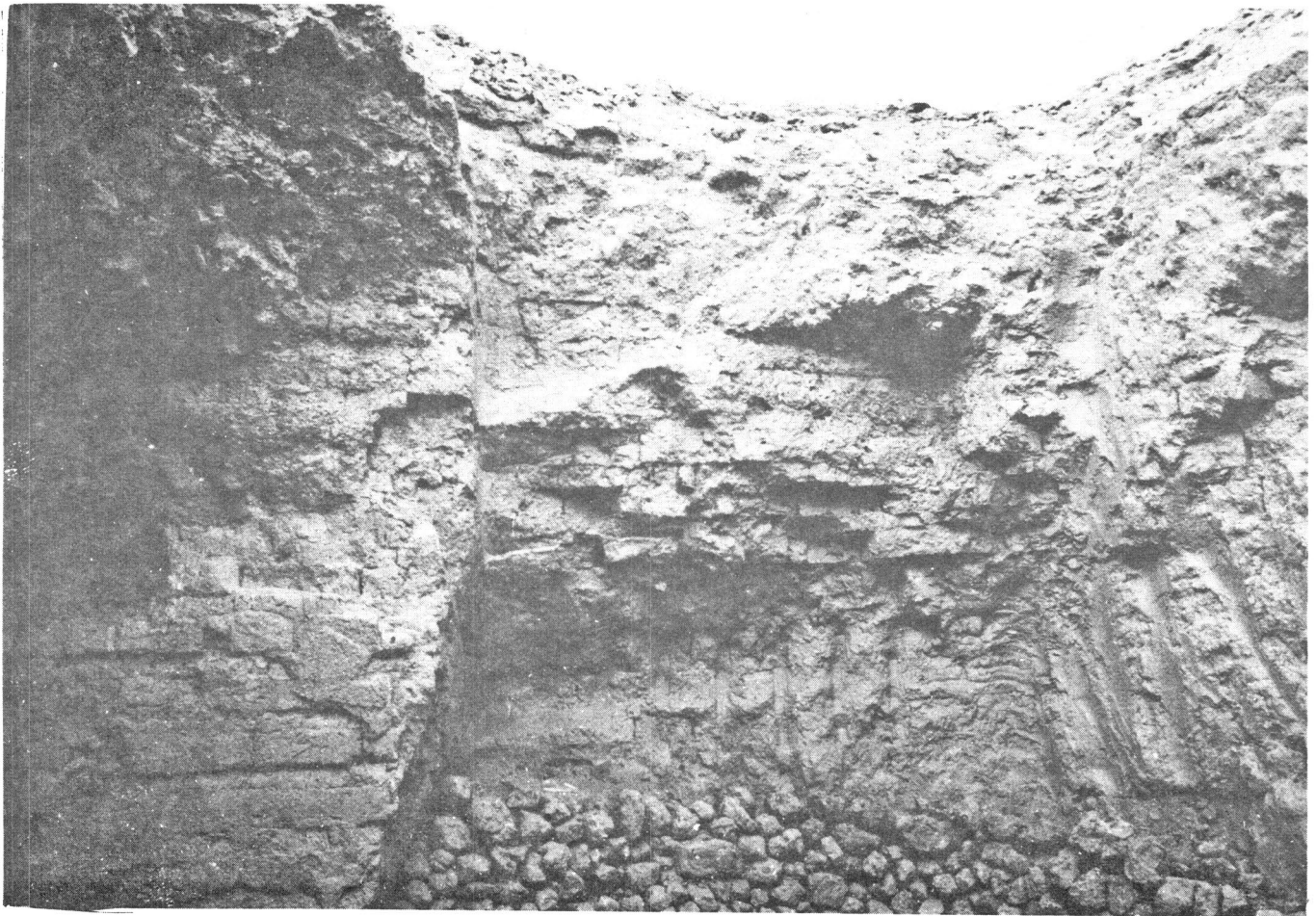
۷- برنامه‌ریزی برای حفاظت موقت بنا از گزند عوامل طبیعی

● ۵- شناسائی و پیگردی بنای باستانی تپه (و)

بعلت درهم ریختگی آوار و آثار درهم کوبیده، و پیریشانی خاطر ناشی از آشفتگی کارگاه، ساماندهی فضای کارگاه قبل از هرگونه اقدامی صورت پذیرفت آنطور که فضای کارگاه را برای آغاز مطالعه قابل تحمل نماید. (تصویر شماره ۱۳)

قطعه خشتهای فرو افتاده که در میان آنها خشتهای سالم نیز بدست آمد، در جبهه شمالی کارگاه و در جای دیوار تخریب شده دستچین گردید بطوریکه راستای نمای آن بموازات دیوار اصلی قرار گرفت و برای جلوگیری از دوباره کاری خاکهای آوار سطحی در پشت آن، در فضای باقیمانده از دیوارانبار گردید. نمای دیوار شرقی (تالار شمالی) نیز همانند دیوار شمالی با قطعات خشت بازسازی شده و تدریجاً " پس از ایجاد نظم، فضای کارگاه برای اقدامات بعدی آماده گردید. (تصویر شماره ۱۴)

با اینکه جهت ورود ماشین تخریب از جبهه جنوبی در راستای شمالی جنوبی بود، میزان خاکبرداری از بخش شمالی عمیق تر بوده و بعلت انحراف راستای طولی دو تالار در گوشه جنوبشرقی از تالار جنوبی و گوشه شمالغربی در تالار شمالی کمتر مورد کندوکاو قرار گرفته و بلحاظ وجود آثار کندوکاوی دستی قبل از تهاجم ماشین در گوشه شمالغربی مرتفعترین سطح داخل فضای تخریب شده در گوشه جنوبشرقی قرار داشت. بهمین لحاظ پاکسازی محوطه از گوشه جنوبشرقی آغاز شد. با جمع آوری پاره خشتهای سرگردان و زدودن خاکهای فرو افتاده بر سطح مخروطی این گوشه، سطح یک سکوی خشتی محاذی با کف نیش (طاق نما) دیوار شرقی پدیدار



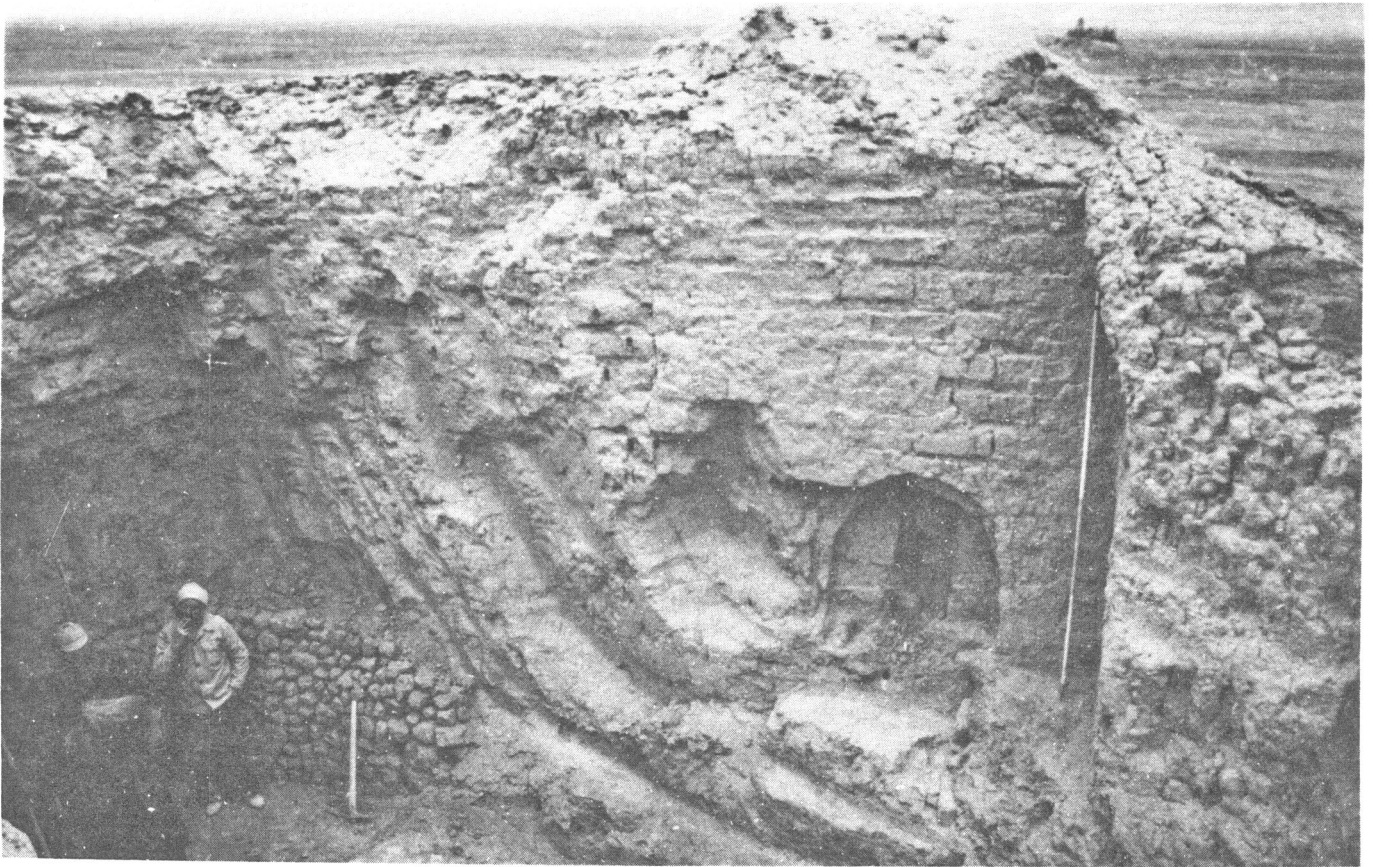
(تصویر شماره ۱۳) دیوار شمالی تالار شمالی

شد که خود بخود مانعی دریافتن کف اصلی بنا بشمار می‌آمد. سطح فوقانی این سکوی مثلث شکل که باقیمانده سکوی سراسری در فضای هر دو تالار بود بنوبه خود بعلت کندوکاوهای دستی و ماشینی و فرو افتادن خشتهای آن ناهموار شده و در مسیر حرکتهای متعدد ماشین کاملاً "منهدم گردیده بود. خارج از مثلث یاد شده که کمتر آسیب دیده بود اثر تیغه ماشین خاکبرداری داغ براقی برخشتهای سکو و آوار موجود نهاده بود که در سطوح منطبق برهم، پس از حذف هر لایه آوار درهم کوبیده شده نمایان میگردد. (تصویر شماره ۱۵)

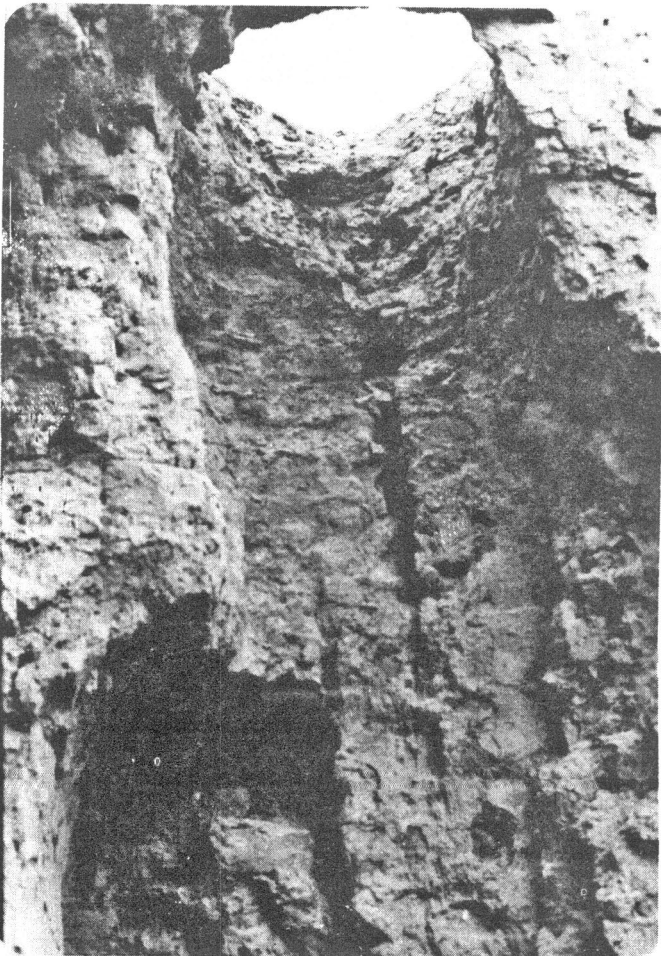
تعداد لایه‌های آوار کوبیده شده نشانگر تعداد رفت و برگشتهای مضاعف ماشین تخریب میبود که در یک سطح جای تیغه و در سطح دیگر جای چرخ زنجیردار آن بجای مانده بود. لایه‌های آثار درهم کوبیده شده یکی پس از دیگری با دقت زیاد حذف و خاک آن به بیرون از گودال حمل گردید. تیغه ماشین تخریب

(تصویر شماره ۱۴) گوشه شمال شرقی تالار شمالی





(تصویر شماره ۱۵) نمای شرقی فضای تخریب شده بوسیله ماشین آلات سنگین پس از آماده سازی آن برای زدودن آوارهای سطحی ناشی از خاکبرداریهای خرابکاران



(تصویر شماره ۱۶) گوشه شمال غربی تالار شمالی که در دو مرحله مورد تخریب قرار گرفته است. بار اول با وسایل دستی حفر چاه بوسیله جویندگان گنج و بار دوم بوسیله آزمندان مجهز به ماشین آلات خاکبرداری، که بر اثر این اقدامات بویژه حفر چاه اتاق درگاه تالار شمالی منهدم شده است



(تصویر شماره ۱۷) بقایای دیوار غربی تالار جنوبی و تالار شمالی در بین خشته‌های سکوی داخل بنا تمیز داده میشود و مابقی آن در خاکبرداریهای ماشینی از بین رفته است. (دید به سوی شمال)

و سایر مشخصات آن بعلت تخریب ماشین آلات متجاوزین ناشناخته باقی مانده است. (تصویر شماره ۱۷) هر چند دیوار شرقی با ارتفاع بیشتری از سطح فوقانی خشته‌هایی که آغاز قوس را القا مینمایند باقی مانده است. لکن داغ تاق بر آن باقی نمانده و نمیتوان از وجود آن برای شناخت هندسه قوس و شکل کامل آن کمک گرفت. ولی ارتفاع آن در سطح یکمتری بالای پاکار قوس از لحاظ شناخت آن قابل ملاحظه است. (تصویر شماره ۱۸)

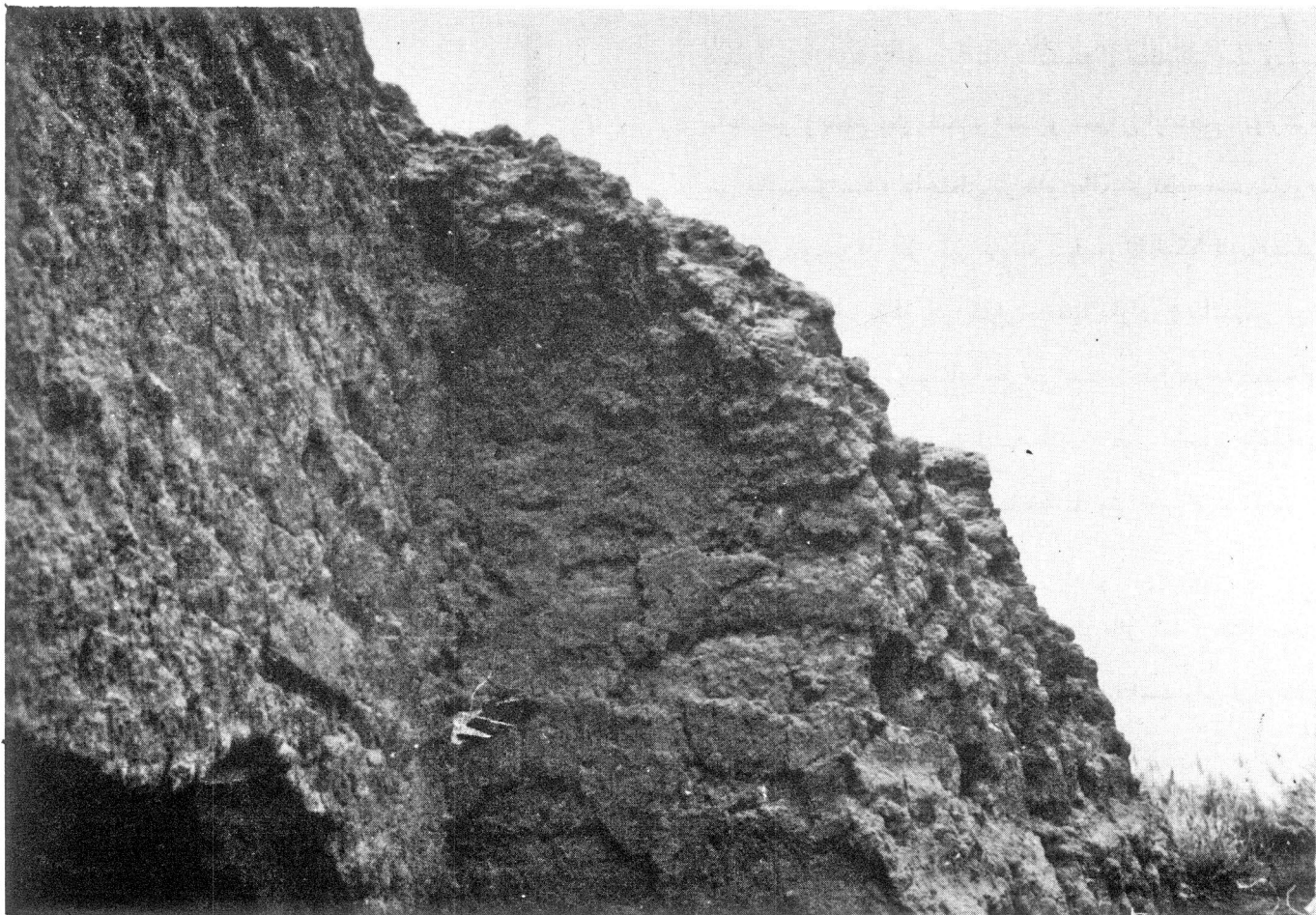
ضخامت دیوار غربی در ارتفاع پنجاه الی هفتاد سانتیمتری از سطح کف اصلی به ۹۰ سانتیمتر بالغ میشود. مقطع دیوار غربی بصورت کله‌قندی است و در هر متر بلندی تقریباً "چهار سانتیمتر از هر طرف از قطر دیوار کاسته میشود."

طول دیوار جنوبی تالار جنوبی سه متر و هفتاد و پنج سانتیمتر و باندازه طول دیوار شمالی تالار شمالی است. طول دیوار غربی مجموع دو تالار جنوبی و شمالی به شش متر و ده سانتیمتر بالغ میشود و درگاه شمالی این دیوار که به فضای غربی راه پیدا میکرده بادانه‌ای بعرض بیش از یکمتر در فاصله بیست سانتیمتری از دیوار شمالی است.

خشت و خاک را طوری درهم فشرده بود که اگر شیئی از گل‌پخته و یا ناپخته در محل وجود می‌داشت (مانند لوح، سیلندرو... وجودش در لایه فشرده شده مستحیل گردیده و شناختن آن غیرممکن میبود، معذالک هر لایه از خاک بهم فشرده با دقت مورد سنجش قرار میگرفت، و در هر حال دریغ از انهدام هر ذره از مدارک باقیمانده و تأمل در بازبینی دقیق آوارمانعی در پیشرفت کار بشمار می‌آمد. در مجموع هفت لایه خاک درهم فشرده در تالار شمالی نشانگر تلاش خروج ماشین پس از خاکبرداری بود.

پس از آشنائی با سکوی خشتی و سطح کف اصلی در جبهه شمالی تالار شمالی اولین نتیجه‌ایکه از پاکسازی لایه‌های درهم فشرده عاید گردید تشخیص لبه داخلی دیوار غربی و دیوار شمالی در تالار جنوبی بود که خشته‌های دیوارها با وجود ملاط‌اندود نمای آن از خشته‌های سکوتیمیز داده شد. در راستای دیوار جنوبی تالار جنوبی هیچگونه اثری از وجود درگاه یافت نشد و همینطور در طول دیوار غربی بجز درگاهی که با خشت پیر شده و توسط چاهی که بوسیله حفاران غیرمجاز کنده شده و حالت اولیه آن مضطرب گردیده بود (در بخش شمالی دیوار غربی تالار شمالی) درگاه و یا طاقنمای دیگری مشاهده نگردید. (تصویر شماره ۱۶) ارتفاع دیوار غربی در بخش جنوبی هفتاد و هفت سانتیمتر و در بخش میانی آن چهل سانتیمتر و بلندی دیوار جنوبی در مسیر تخریب شصت سانتیمتر اندازه‌گیری شد. در حالیکه بلندی دیوار جنوبی در گوشه جنوب شرقی که در کنار مسیر تخریب قرار گرفته است در طولی معادل یک متر از گوشه به بیش از چهار متر از کف تالار بالغ میگردد.

اندازه خشته‌های بکار رفته در دیوار جنوبی ۱۱×۳۸×۴۰ و اندازه خشته‌های سکوی داخل تالار متفاوت میباشد ۱۱×۴۰×۳۸ و ۱۱×۳۰×۲۸ و در سطوح فوقانی دیوار جنوبی و در مجاورت کنج جنوب شرقی پنج ردیف خشت در کنار یکدیگر (بصورت نره) قرار گرفته که انحناى آن نشانگر پوشش قوسی تالار با تاق گهواره‌ای در جهت شرقی غربی است، پاکار قوس در ارتفاع سه متر و پنجاه سانتیمتر از سطح کف اصلی



(تصویر شماره ۱۸) باقیمانده‌های تاق پر پوشش اصلی بنا در سطح فوقانی دیوار جنوبی تالار جنوبی که فقط شامل شش خشت است و مابقی پوشش تالار جنوبی و تالار شمالی کاملاً "از بین رفته". در این موقعیت ترکیب خشت‌های عمودی (تاق) بر روی خشتهای افقی دیوار از لحاظ شیوه بنائی و پاکار تاق درخور توجه میباشد.

(رمل) همانند خاکهای اطراف میدان، شانزده سانتیمتر خاک سبز رنگ همراه با ذغال، بیست و دو سانتیمتر خاک رسوبی، هیجده سانتیمتر خاک سبز رنگ و مابقی خاک قرمز رنگ تا خاک بکر ملاحظه شد. (طرح شماره ۳)

● ۱-۵- دیوار شرقی

بخشهای جنوبی دیوار شرقی تالار جنوبی کمتر مورد تخریب قرار گرفته و ارتفاع بلندترین نقطه آن به چهار و نیم متر از کف اصلی میرسد. در حالیکه بلندی دیوار شرقی تالار شمالی که هم راستای تالار جنوبی است از پنجاه سانتیمتر تجاوز نمیکند. دود دیوار شرقی طاق نمای (نیش) محراب مانند در فاصله پنجاه و چهار سانتیمتری

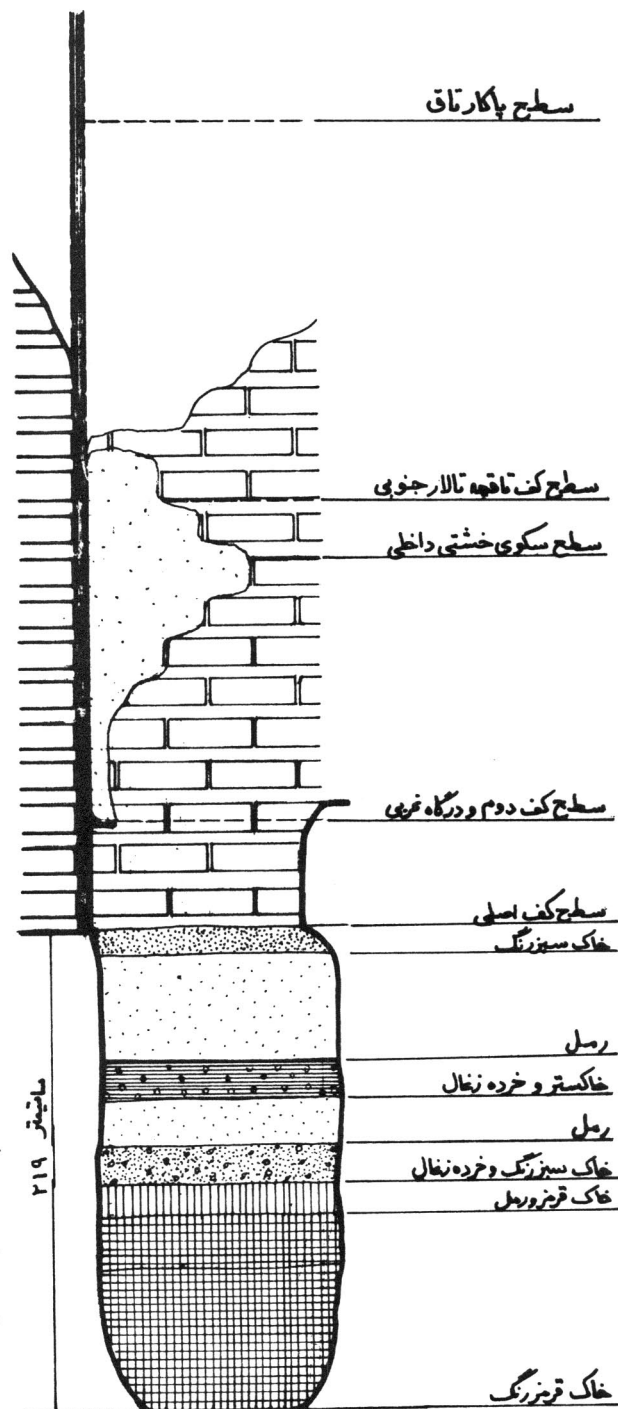
(تصویر شماره ۱۹) در گوشه شمال غربی بخش بسیار کوچکی که مشابه وجود یک کف در ارتفاع پنجاه و پنج سانتیمتری از کف اصلی دیده شد که هویت واقعی آن مجهول باقی ماند. توضیح بیشتر اینکه چاهی که توسط حفاران غیر مجاز قبل از تخریب و تجاوز ماشینی از سطوح فوقانی درگاه حفر شده بود با کمی انحراف بطرف داخل و گوشه شمال غربی آثار کف ۵۵+ سانتیمتری را منهدم نموده بود. با استفاده از همین چاه و پاکسازی جداره و خاکبرداری از آن تا عمق دو متر و بیست سانتیمتری از کف اصلی، لایه‌های زیرین بنای خشتی مورد مطالعه قرار گرفت. مجموعاً "هفت لایه تا خاک بکر تشخیص داده شد که به ترتیب از زیر خشت تحتانی (از سطح کف اصلی) عبارتند از دوازده سانتیمتر خاک سبز رنگ، پنجاه سانتیمتر خاک رسوبی

از دیوار جنوبی بادخانه‌ای بعرض یک متر تعبیه شده (تصویر شماره ۲۰) سطح کف طاق نما یکصد و هفتاد سانتیمتر از سطح کف اصلی و بیست سانتیمتر از سطح سکو بلندتر است و عمق آن از سطح دیوار شرقی سی سانتیمتر است. ساختمان این طاق نما از شش قطعه خشت یکپارچه است که دوبرو در تیزه‌طاق سربهم نهاده و یک‌لنگه طاق را تشکیل میدهند. سطح مقطع هر یک از خشتها دارای ۹ سانتیمتر عرض جانبی و یازده سانتیمتر نمای خارجی است. طول هر خشت متجاوز از یک متر و بیست سانتیمتر است بطوریکه طول داخلی فاصله بین تیزه و پایه خشت (بخش مستقیم همانند وتر قوس) به یکصد و ده سانتیمتر بالغ میگردد.

از سه خشت باقیمانده در بخش جنوبی طاق نما، خشت مجاور نمای دیوار در شکرگاه شکسته و آسیب دیده است ولی از سه خشت شمالی فقط یک خشت باقیمانده که بخش تحتانی آن بعلت فرسایش طبیعی پس از تخریب بنا در شرف انهدام است.

در فاصله ۲/۵۲ متری از دیوار جنوبی در بدنه شرقی تالار جنوبی دیوار جداکننده دو تالار بقطر یکمتر و ده سانتیمتر در لابلاي خشت‌های سکو قابل تشخیص است که طول باقیمانده آن کمتر از یک خشت در ارتفاع پنجاه سانتیمتری از سطح کف اصلی است. و مابقی آن توسط ماشین خاکبرداری منهدم شده است. این دیوار را میتوان پایه دیگر طاق گهواره‌ای دانست که در مقابل دیوار جنوبی قرار گرفته و در صورت قبول این فرض طاق گهواره‌ای پوشش تالار جنوبی با عرض دهانه ۲۵۲ سانتیمتر دارای طول سه متر و هفتاد و پنج سانتیمتر است. (تصویر شماره ۲۱)

از پوشش تالار شمالی مدرکی در دست نیست لکن با توجه به تشابه ابعاد دو تالار پوشش مشابهی، بموازات طاق گهواره‌ای تالار جنوبی بر آن متصور است. نظر باینکه تالار جنوبی فاقد ورودی است، دسترسی به آن را میتوان از تالار شمالی فرض نمود که احتمالاً ابعاد آن همانند درگاه غربی است و در هر حال موقعیت و تعداد آن نامعلوم است که اگر در میان دیوار بین دو تالار فرض شود وضعیت



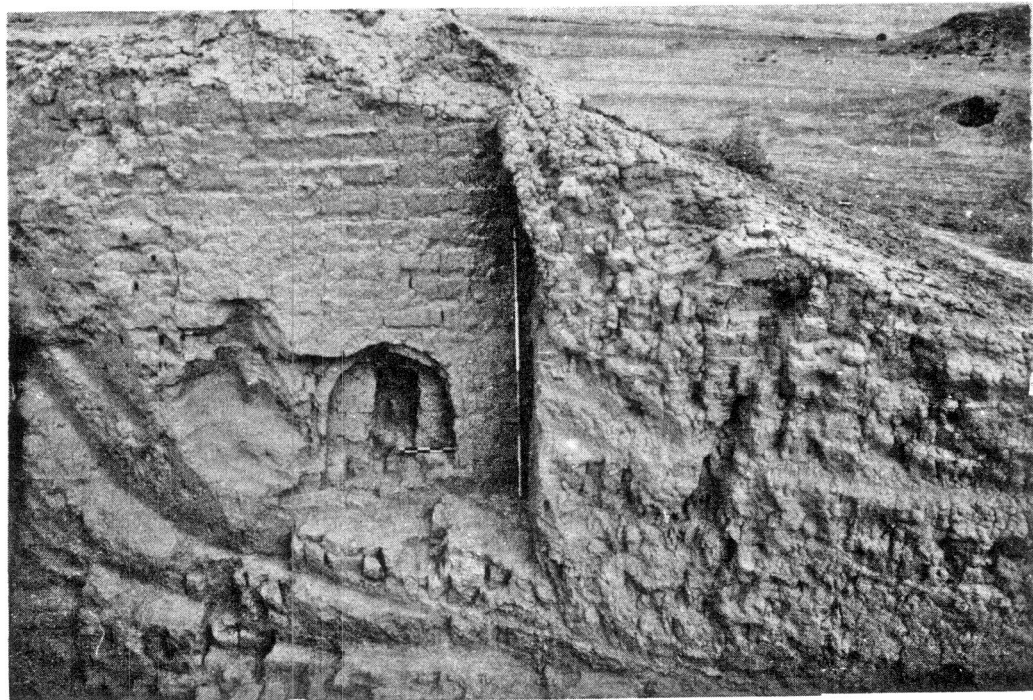
لایه های خاک درگانه آزمایشی شمال غربی تالار شمالی، با استفاده از چاه حفاران غیرمجاز.

(طرح شماره ۳) مقطع لایه های خاک درگانه داخلی گوشه شمال غربی تالار شمالی (منطبق بر چاه حفاران غیرمجاز)

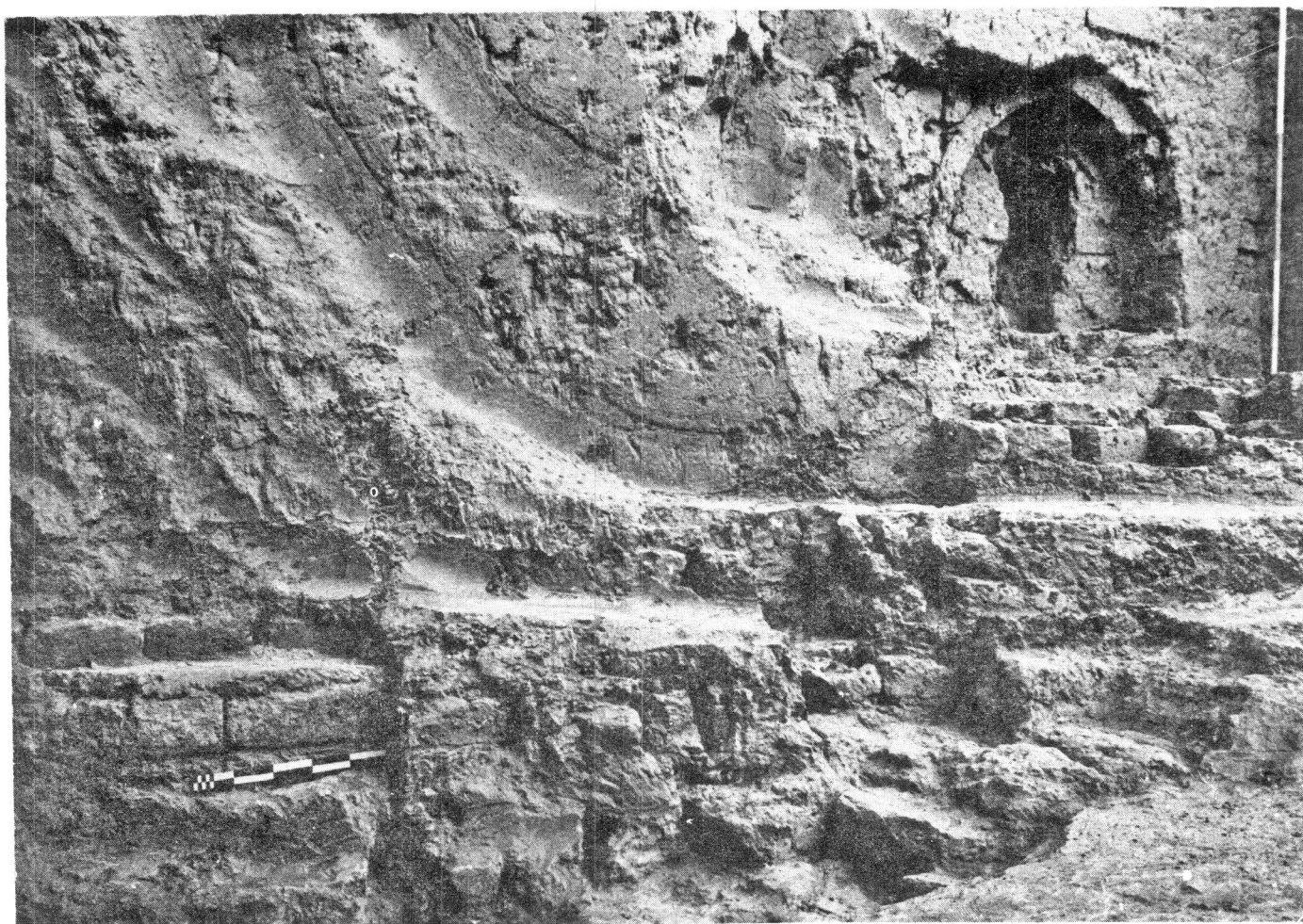


(تصویر شماره - ۱۹) باقیمانده هلی
پوشش درگاه غربی تالار شمالی کمتوسط
خاکبرداری غیرمجاز از طریق حفرچاه
منهدم گردیده است

(تصویر شماره ۲۰) نمای عمومی
بخش شرقی بنای پنهان در تپه (و)
که بوسیله ماشین آلات خرابکاران
مورد تجاوز و تخریب قرار گرفته است
مدارکی که از این بنای تاریخی ظاهر
شده گواهی بر ارزشمندی سایر عواملی
است که منهدم شده اند .



(تصویر شماره ۲۱) نمای بقایای دیوار بین دو تالار شمالی و جنوبی (در سمت چپ تصویر) در میان خشتهای سکوی داخلی .
خطوط پهنی که در تصویر دیده میشود ، داغ تیغه ماشین خاکبرداری بر روی بقایای آثار معماری بنای باستانی تپه (و) است .

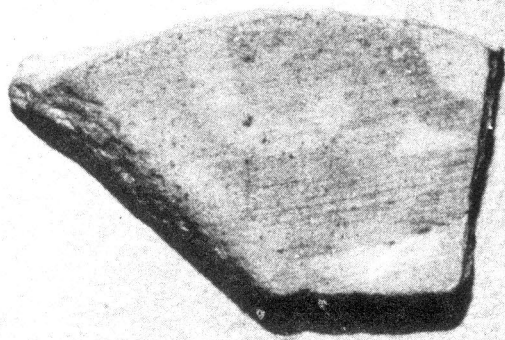


پوشش تالار شمالی نیز تا حدودی قابل قبول مینماید . (نقشه شماره ۳هـ)

● ۶- سفالینه‌های مکشوفه در ساختمان تپه (و)

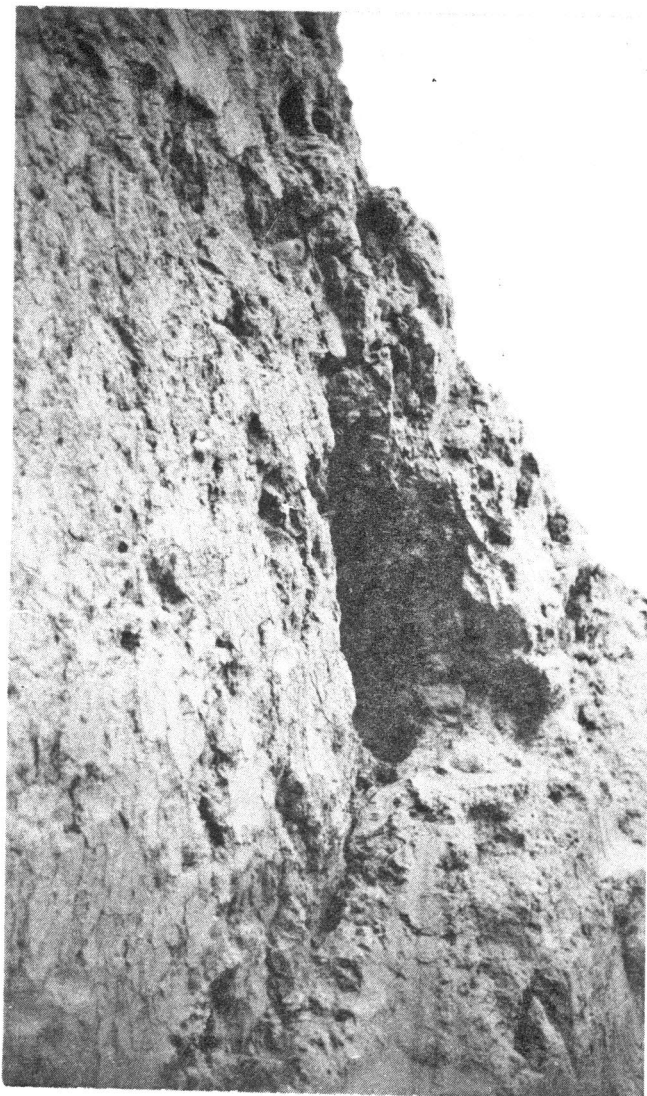
در خلال پاکسازی محوطه تخریب شده تپه (و) سفالینه‌های نه چندان زیادی جمع آوری گردید که بعلت در هم ریختگی آوار و زیرو رو شدن سطح تپه تا عمق پنج متری جزو سفالهای سطحی کارگاه منظور گردید . لکن در زیر سطح زیرو رو شده یک قطعه سفال منقوش در بدنه شمالی کارگاه در سطح ۳۰ سانتیمتری بالای کف اصلی بدست آمد که زمینه اصلی آن نخودی رنگ بانقش سیاه مایل به خاکستری بود که (سفال ردیف ۳) نامیده شد (تصویر شماره ۲۲) . و در همین سطح یک قطعه سفال قرمز رنگ اخراعی در جبهه شمال شرقی نیز مشاهده گردید که دارای بخشی از لبه ظرف بود . در همین سطح در گوشه شمال غربی کارگاه لبه سفال داغدار برنگ اخراعی در زیر آوار تخریبی بدست آمد (سفال ردیف ۴) . بمحاذات سطح نیش در ارتفاع ۱۷۰ سانتیمتری از کف اصلی یک قطعه سفال مربوط به یک ظرف ظریف ساده آجری رنگ در بدنه دیواره غربی کارگاه بدست آمد (سفال ردیف ۵) در سطح فوقانی جبهه غربی و بر بدنه غربی کارگاه حفرة ای که در آن سفالهای زیادی بود و خود موجب پدیدار شدن نمای آنسوی دیوار غربی شده بود مورد توجه قرار گرفت که با سفالهای قرمز رنگ که در لایه (مضطرب تخریب شده) در کف اصلی بافت شد قابل مقایسه میباشد (سفالهای ردیف ۶) . با احتمال وجود پوشش واحد مجاور تالارها در بخش غربی ، سطح تپه مورد معاینه قرار گرفت و مقداری سفال و خاکستر که از برافروختن آتش بر سطح تپه برجای مانده بود بدست آمد ، (تصویر ۱-۲۲) لکن از پوششی که احتمال وجود آن انگیزه پاکسازی سطح تپه بود اثری مشاهده نگردید . نظریه مجاورت واحد معماری به دیواره غربی تپه و عرض محدود آن میتوان وجود دالانی را به درازای مجموع هر دو تالار (۱۰/۶ متر) پیش بینی نمود که حدفاصل بین تالارها و فضای خارجی

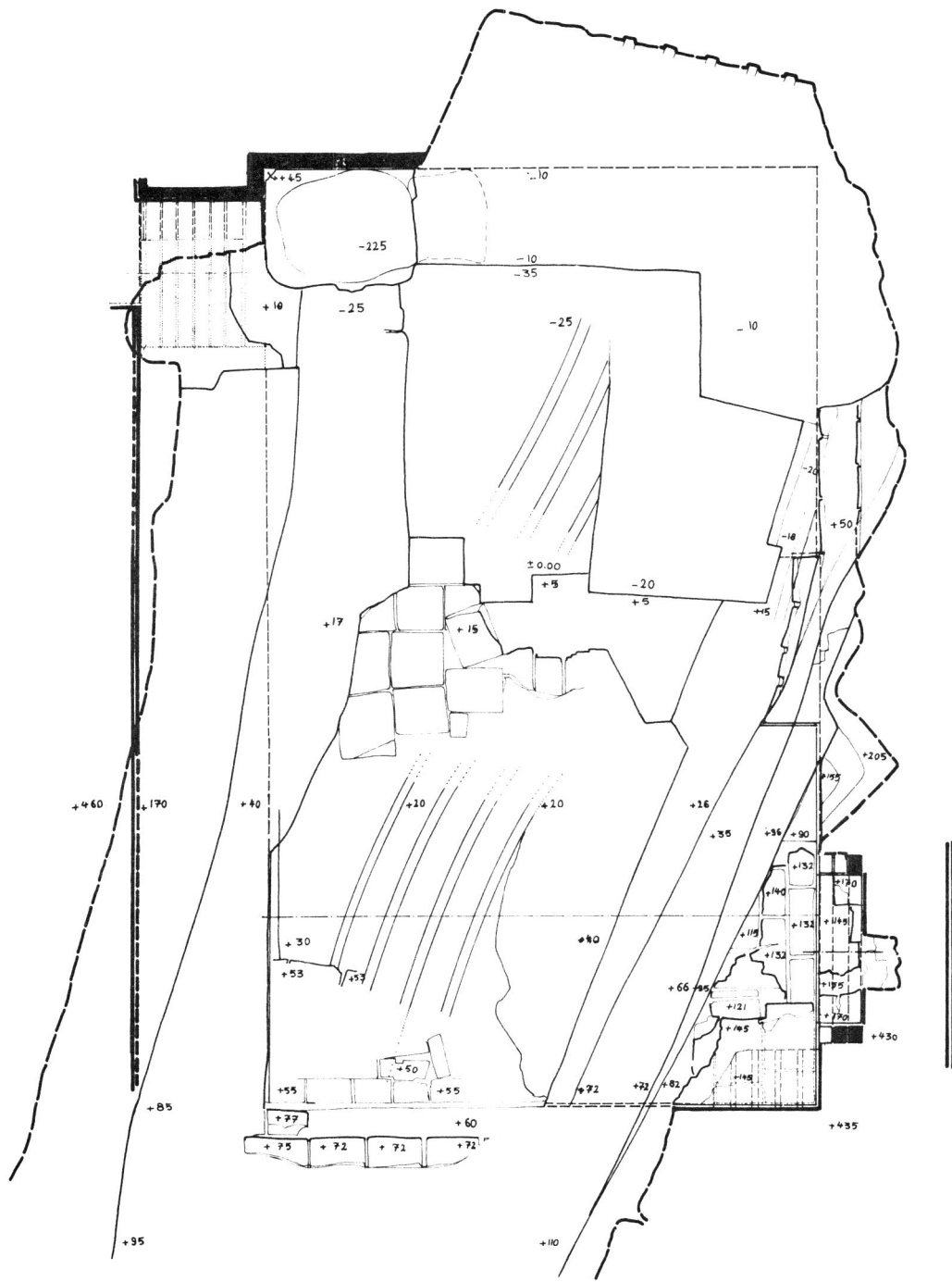
بنا است (تصاویر ۲۳ و ۲۴) .



(تصویر شماره ۲۲) سفال منقوش (ردیف ۳هـ)

(تصویر شماره ۱-۲۲) حفرة سفالها در سطوح فوقانی دیوار غربی که در آن حد خارجی بقایای دیوار غربی نمایان است .





نقشه تالار جنوبی و تالار شمالی بنای پنهان در طبقه (۹) مقیاس = ۱:۲۰

وزارت فرهنگ و آموزش عالی
 دفتر آثار تاریخی
 هیات بررسی و شناسایی آثار باستانی سمنان
 بقایای مساری تخریب شده در طبقه (۹ -)
 محوطه باستانی چتر شیخ
 پاییز ۱۳۶۲

● ۱-۶- گمانه خارجی خاکریز غربی تپه

دامنه غربی تپه در راستای درگاه گوشه شمال غربی جهت حفر گمانه‌ای در خاکریز تپه در نظر گرفته شد که هدف از آن شناسایی وضعیت زمین و سطح خارجی بنا و لایه‌های موجود در این ناحیه بود که در مقایسه با گمانه عمیق داخلی مورد بررسی قرار گیرد. در زیر شش ردیف خشت نمای خارجی بنا که اندازه مجموعه آنها ۱۰۵ سانتیمتر بود از یک لایه خاک همراه با ذرات ذغال به ضخامت ۱۹ سانتیمتر خاکبرداری بعمل آمد، در لایه زیرین خاک و ذغال لایه‌ای به ضخامت ۶۷ سانتیمتر، یک نوع خاک رسوبی را تشکیل میداد که در زیر آن لایه‌ای به ضخامت ۴۶ سانتیمتر از خاک درهم فشرده سبز رنگی که مشابه آن در زیر تپه (ح) و در فاصله پانصد متری شرق میدان نیز دیده شده بود که احتمالاً از بقایای یک نوع سنگ فرسوده است و در زیر آن لایه‌ای به ضخامت ۳۲ سانتیمتر خاک قرمز درهم فشرده‌ای که فاقد مصنوعات بود مشاهده گردید. که تا خاک بگردامه داشت. مجموعاً "عمق این گمانه ۲۹۶ سانتیمتر اندازه‌گیری شد که در آن یک قطعه سفال مربوط به بدنه ظرف قهوه‌ای رنگ یافت گردید که با یک قطعه سفال قهوه‌ای رنگ کارگاه سطحی شرقی قابل مقایسه میباشد.

● ۲-۶- کارگاه شرقی- خارجی

بدنبال اندازه‌گیری ضخامت دیوار شرقی تالار جنوبی و آشنائی با چگونگی موقعیت تالار و همجواری آن با سایر واحدهای معماری بنا در شرق تالار محوطه‌ای به عرض ۱/۴۰ متر و طولی تا انتهای خاکریز شرقی تپه برای پاکسازی سطحی از آوار فرسوده در امتداد شرقی غربی در نظر گرفته شد. ضخامت دیوار شرقی بقطر ۸۱ سانتیمتر اندازه‌گیری شد تا فاصله ۸/۱۰ متری از بر خارجی دیوار شرقی تالار جنوبی توده‌ای از خشت بنائی شده همانند سکوی داخلی پدیدار شد که تا فاصله ۸/۰۶ متری

از دیوار خشتی نمای مسطح جانبی آن فضای ساخته شده را از خاکریز تپه جدا میکند. فرسایش طبیعی خشتهای سطحی با شیب تپه هماهنگی دارد و با کندو کاو بیشتر احتمال تشخیص دیوارهای تقسیم‌کننده فضای داخلی بنا میسر خواهد بود که در غیر این صورت شناسایی هویت این توده خشتی همانند سکوی درونی تالار هابه کسب اطلاعات و بررسی بیشتر و قیاس با سایر بناهای مشابه موکول میشود.

در فاصله ۳/۵ متر از سکوی خارجی بنا در عمق ۱/۲۰ از لبه مجاور کارگاه دو قطعه سفال لبه دار که بخشی از پایه ظرف میباشد مورد شناسایی قرار گرفت (سفال ردیف ۷)

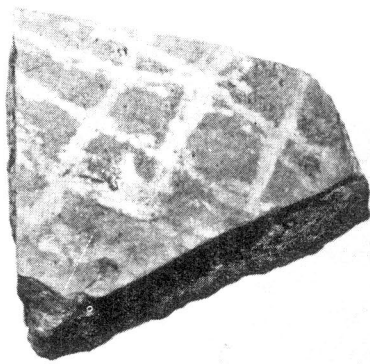
در فاصله ۱۲/۷۰ متر از دیوار شرقی تالار جنوبی و در عمق یکمتری از سطح زمین‌های مجاور یک قطعه سفال قهوه‌ای رنگ منقوش داغدار با طرح‌های مربع شکل ملاحظه شد، نمونه‌ای از این سفال در گمانه غربی بدست آمد که فاقد نقش میباشد. (سفال ردیف ۸) در فاصله ۱۳/۵ متر از دیوار شرقی تالار جنوبی دو قطعه سفال لوله‌دار بدست آمد که جزو سفالهای سطحی منظور گردید.

مجموعاً " طول گمانه شرقی ۱۴/۷۰ متر است که صرفاً "پاکسازی سطحی در آن صورت پذیرفت و همانند سایر مجهولات موجود مطالعه و کاوش در آن، به فرصت مناسبتری موکول گردید.

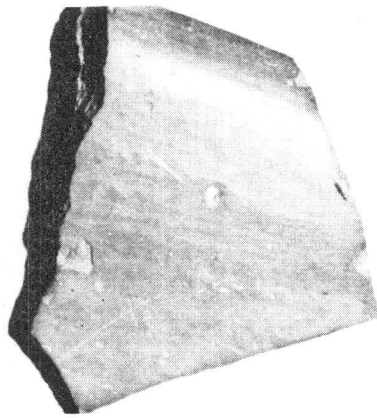
سفالهای مربوط به بنای تپه (و) هر چند از سطوح خارجی و بعضاً "از داخل آوار بنای تخریب شده و در یک مورد در سطح خشتهای داخل اتاقها بدست آمده، لکن بجز یک مورد اخیر (سفال ردیف ۳- تصویر شماره ۲۲) مابقی سفالها از لحاظ زمان ساخت یکدست بوده و دارای قدمت مشابه میباشد.

سفال سطحی ردیف ۶ ساده، با لبه ضخیم بداخل برگشته، چرخ ساز و در جدار داخل و سطح خارجی دارای داغ یکنواخت است. (تصویر شماره ۲۳)

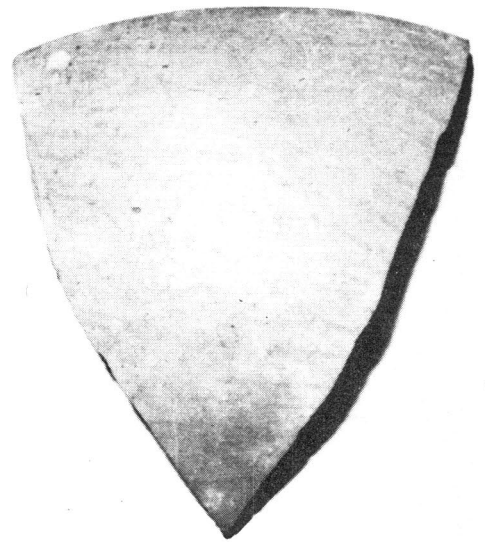
سفال سطحی (ردیف ۴) داغ دارو مشابه با سفال (ردیف ۶) با اختلاف در شکل لبه ولی زمان ساخت آنها مشابه میباشد (تصویر شماره ۲۴).



(تصویر شماره ۲۵) سفال (ردیف ۸)



(تصویر شماره ۲۴) سفال (ردیف ۴)



(تصویر شماره ۲۳) سفال (ردیف ۶)

سفال سطحی (ردیف ۸) قهوه‌ای رنگ داغدار ، دارای نقوش

لوزی شکل (با داغ و بدون عمق) با ردیف ۴ و ۶ از لحاظ تاریخ ساخت مشابه است (تصویر شماره ۲۵)

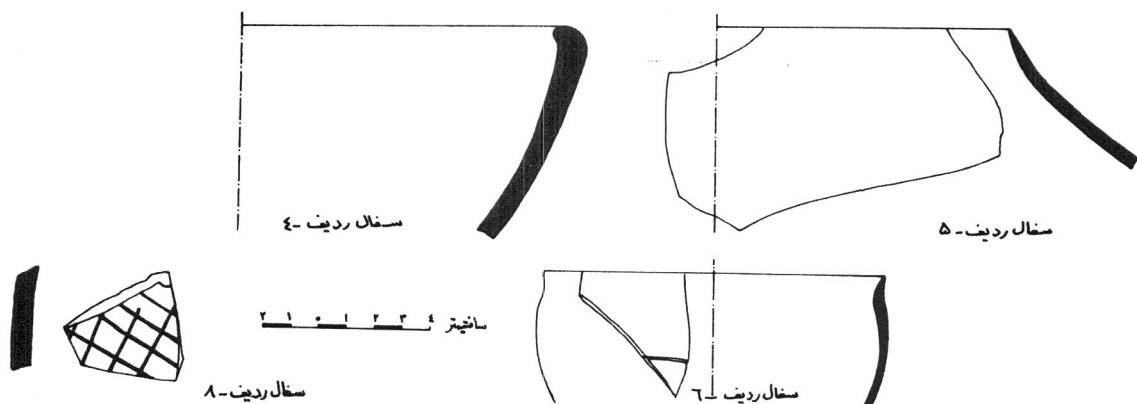
سفال (ردیف ۵) آجری رنگ با لبه بخارج برگشته ، ظریف چرخ ساز ، فاقد نقش و لعاب و تقریبا " زبر " ساده با سفالهای ردیف ۴ و ۶ و ۷ و ۸ دارای قدمت مشابهی بوده و مجموعا " با سفالهای محوطه‌های شناخته شده ، املش ، مارلیک ، کلاردشت ، رستم آباد در حاشیه شمالی البرز قابل مقایسه‌اند و همچنین میتوان آنها را با سفالهای تپه شهریار در یک شمار آورد که جمعا " مربوط به اوائل هزاره اول (ق . م) تا دوره‌ای در حدود قرن هشتم پیش از میلاد میباشد (طرح شماره ۴)

● ۷- مشخصات بنای مدفون در تپه (و) میدان باستانی دلازیان (چشمه شیخ)

۱-۷- مصالح ساختمانی و ابعاد بنا

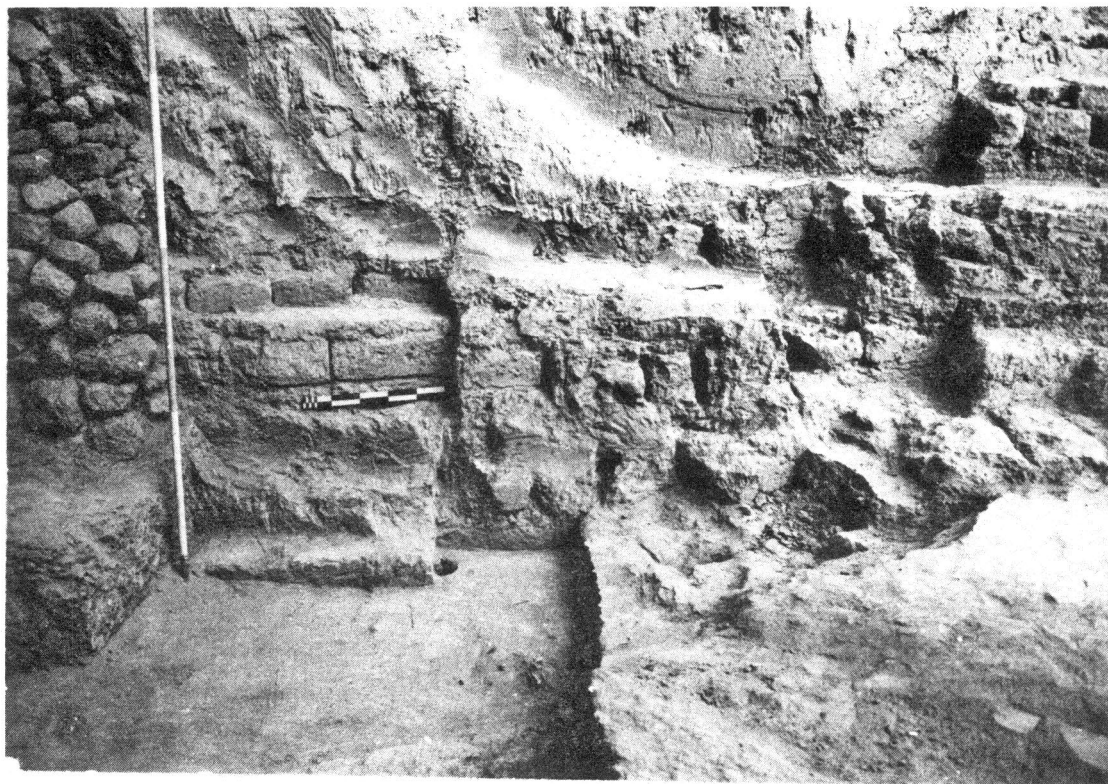
در بخش تخریب شده بنای مدفون در تپه (و) دیوارها از خشت خام و ملاط گل ساخته شده و نمای داخلی دیوارها پوشیده از اندود گلین است . چنین بنظر میرسد که خاک و طرز تهیه هر یک از سه عامل فوق متفاوت باشد ، اندود روکار بنا ، تیره تراز خشت ، و خشت از ملاط تیره تر است . احتمال دارد که در ترکیب خاک اندود از نرمه گاه استفاده شده باشد . در ساختن خشتها از یک نوع خاک یکنواخت و بدون ناخالصی استفاده شده و الیاف گیاهی که بنظر

(طرح شماره ۴) طرح سفالهایی که از تپه (و) بدست آمده است .



گرفته شده از جای دیگری و احتمالاً " از مکانی دور دست به این محل حمل شده باشد . معلوم نشده است که خشتها را در محل معدن خاک ساخته‌اند و یا اینکه خاک و سایر مواد لازم را به میدان حمل نموده و در همین محل به ساختن خشت پرداخته‌اند . لازم به ذکر است که در گمانه‌های آزمایشی داخلی (گوشه شمال‌غربی تالار شمالی) و خارجی (غرب خاکریز تپه و) در زیر لایه خاک سبز رنگ نوعی خاک قرمز رنگ رسیده دیده شده است ، معذک تشخیص

میرسد گاه باشد نیز بطور یکنواخت در مقاطع آن دیده میشود . در ساخت خشتها دقت زیادی بکاررفته است بطوریکه نمای خشت‌هایی که در درون دیوارها بکاررفته و از فعل و انفعالات جوی مصون باقی مانده‌اند ، کاملاً " مسطح و صیقلی است و شکل ظاهری آن پوشیده از لعاب گلی و شبیه به مهرنماز بنظر میرسد و بطور کلی دقت در ساخت و پرداخت هر خشت از دیوارها در خور توجه میباشد . بجز خشت‌های یکپارچه پیش‌ساخته‌ایکه در ساختمان لنگه‌تویزه‌ها



(تصویر شماره ۲۶) بنائى خشت‌های نمای غربی و مقطع دیوار بین دو تالار . دید بسوی شرق

رابطه‌ای بین خاک این لایه و خاکی که در ساختمان خشتها بکار رفته مستلزم آزمایش و شناسائی بیشتر است که در حال حاضر استفاده از خاک قرمز رنگ در ساخت خشتها بعید بنظر میرسد .

دیوارها یکپارچه از خشت خام ساخته شده و در پی بنا نیز از مصالح دیگری استفاده نگردیده است ، خشت‌ها در دیوارهای این بنا با دقت خاصی رگ چین شده و ملاط بین هر دو ردیف افقی بخامت هفت سانتیمتر است ، درزهای شاقولی بین خشت‌های نمای داخلی دیوارها ، کمتر از یک سانتیمتر و فاقد ملاط خوراست و لای

(پوشش نیش) بکار گرفته شده و دارای گاه‌زبانی میباشند ، ساختمان سایر خشت‌های مستطیل شکل یکنواخت بوده ، ولی ابعاد آنها متفاوت است .

کسب اطلاعات دقیقتری از کیفیت خشت ، ملاط و اندود این بنا نیازمند کاوشهای باستان‌شناسی و آزمایشهای خاک‌شناسی است . باتوجه به جنس بستر اراضی میدان و اطراف آن ، که از رمل و شوره زار بر لایه‌ای از خاک و سنگ فرسوده سبز رنگ تشکیل شده است ، میبایست نوع خاکی که در ساخت خشت ، ملاط و اندود بکار

در داخل دیوار فاصله بین خشته‌ها بیشتر بوده (سه تا چهار سانتیمتر) و ملاط در بین سطوح شاقولی نفوذ کرده است . (تصویر شماره ۲۶) در گوشه شمال غربی تالار شمالی در ارتفاع پنجاه سانتیمتری از کف سفیدرنگ (کف شالوده که میدان اندازه گیری های ارتفاعی است) گوشه بسیار کوچکی از سطح کف دیگری دیده شده که پیگیری دلیل وجودی آن بعلت آشفته گیهای ناشی از خرابکاری افراد غیر مجاز میسر نگردید .

شواهد موجود نشان میدهد که این بنا پس از احداث و تکمیل اندود تمامی سطوح نمای داخلی بنا ، از سطح کف تا زیر پوشش تالارها ، با توده ای از خشت و ملاط رگ چین شده با بنایی دقیق همانند ساخت دیوارها ، فضای تالارها با ایجاد سکویی با ارتفاع یکمتر و هفتاد سانتیمتر از سطح شالوده (کف اصلی) اشغال گردیده است ، تعیین فاصله زمانی بین ساخت بنا و ایجاد سکونیاژ مندکاووش و کسب اطلاع بیشتر از بنا میباشد . از چگونگی وضعیت سطح فوقانی سکو ، بعلت خاکبرداری های ماشین تخریب اطلاعی در دست نیست و فقط سطح خراشیده چند خشت در گوشه جنوب شرقی ، احتمال وجود یک کف و یا سطحی مشابه کف را القا مینماید .

با توجه به ضخامت دیوارهای خارجی بنا که در سطوح فوقانی به هشتاد و سه سانتیمتر بالغ میگردد ، وجود توده ای از خشت در مجاورت خارجی بنا همانند ساختمان سکوی داخلی ، حاکی از وجود دیوار الحاقی بقطر هشت متر و شش سانتیمتر است . که با توجه به تشابه مصالح و بنایی آن ، احتمال دارد که با سکوی فوق الذکر همزمان باشد .

تالار شمالی و تالار جنوبی دارای طولی در جهت شرقی غربی برابر ۳/۷۵ متر است .

عرض تالار جنوبی برابر ۲/۵۲ متر در جهت شمالی جنوبی است و در همین راستا عرض مجموع دو تالار با احتساب ضخامت دیوار بین آنها به ۶/۱۰ متر بالغ میگردد که مجموعاً " بخشی از بنای مدفون در تپه (و) میباشد .

مساحت بنا و یا بناهای مدفون در تپه (و) دارای وسعتی کمتر از مساحت تمامی سطح تپه است و سطح تخریب شده معادل یک دهم و یا کمی کوچکتر ، از مساحت تپه میباشد . گمان نمیرود که بنای تخریب شده در تپه (ح) با بنای تپه (و) ارتباطی داشته باشد ، هر چند که خشته های بکار رفته در هر دو بنا مشابه یکدیگرند ولی طرز بنایی ، اختلاف سطح بین کف آنها و وجود شالوده سنگی در بنای تپه (ح) آنرا از بنای تپه (و) متمایز مینماید . علاوه بر آن رابطه بین تپه های باستانی میدان باستانی مستلزم مطالعات همه جانبه ای است که برنامه ریزی آن ممکن است پس از بررسی های عمومی منطقه عملی گردد . وجود آثار معماری در تپه های (ه) ، (و) ، (ز) و (ح) با کاوشهای دستی غیر مجازی که در آنها بعمل آمده و موجب تخریب آثار خشتی آن شده است ، قطعی بنظر میرسد . ولی در شناسایی آثار معماری تپه های (الف) ، (ب) ، (ج) و (د) و اینکه آنها بطور طبیعی شکل گرفته اند و یا اینکه مصنوع دست انسان باشند کوششی بعمل نیامده است . تپه های اخیر در شرق میدان باستانی و تپه های دسته اول در غرب آن جای دارند . در زمینه چگونگی شکل گیری و اولویت در احداث بنا و یا همزمانی آثار معماری در هر یک از این تپه ها نیز اقدامی بعمل نیامده و مجموعه اینگونه کنجکاوینها به مرحله آغاز کاوشهای علمی باستانشناسی موکول شده است .

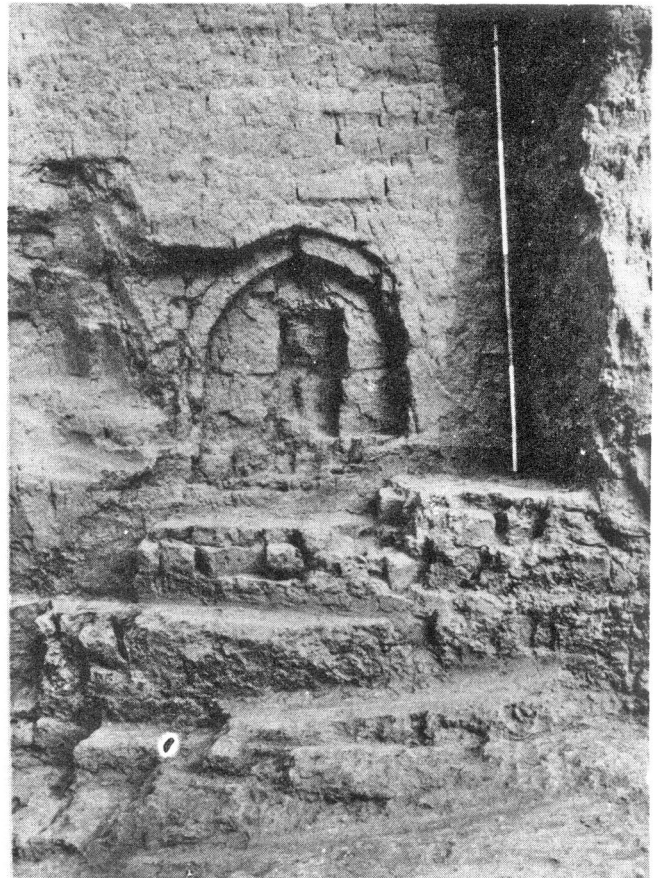
● ۲-۷- پوشش بنای تپه (و)

طاق تیزه دار نیش (محراب مانند) واقع بر دیوار شرقی تالار جنوبی از لحاظ طرح هندسی و دقتی که در ترکیب و اجرای خطوط منحنی لنگه تویزه آن بکار رفته در خورتوجه میباشد ، (در مورد ابعاد و چگونگی این طاقچه قبلاً توضیحاتی ارائه شده است) . خطوط انحنا ی پوشش این طاقچه ، در مقیاس ۱- از روی بقایای موجود آن در محل برداشت گردید ، چگونگی ترنیب خطوط منحنی آن با کمک آقای مهندس عادل فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت و پس از ترسیم خطوط منحنی مختلف از بیضی و دایره ، یک خط

منحنی مرکب از دو قوس از دو دایره باشعاعهای مختلف که دقیقاً بر خطوط برداشت شده قابل انطباق بود، شناسائی گردید، طریقه ترسیم این خط منحنی مرکب مطابق طرح (شماره ۵) قابل پیشنهاد میباشد. (تصویر شماره ۲۷)

باتوجه به یکسان بودن اندازه دهانه پوشش طاقچه و دهانه پوشش درگاه شمالغربی تالار شمالی و انطباق قوس بقایای تاق درگاه با قوس طرح پیشنهادی، گمان تیزه دار بودن تاق درگاه بیشتر میشود بویژه آنکه خشتهای باقیمانده از تاق درگاه از سطح پاکار بفرم نره بنایی شده اند. بقایای تاق تالار جنوبی (در سمت شرقی دیوار جنوبی) تردیدی در شناسائی شیوه بنائی و وجود تاق بشیوه پرفاقی نمیگذارد. لکن بقایای خشتهای تاق از سطح پاکار برای شناسائی نوع قوس و خطوط منحنی آن کافی نیست. با تشابهی که بین خشتهای تاق درگاه

(تصویر شماره ۲۷) موقعیت تاق جناغی طاق نمای کوچک (نیش محراب مانند) در جبهه غربی تالار جنوبی و بقایای سطح سکوی خشتی داخل بنای تپه (و)

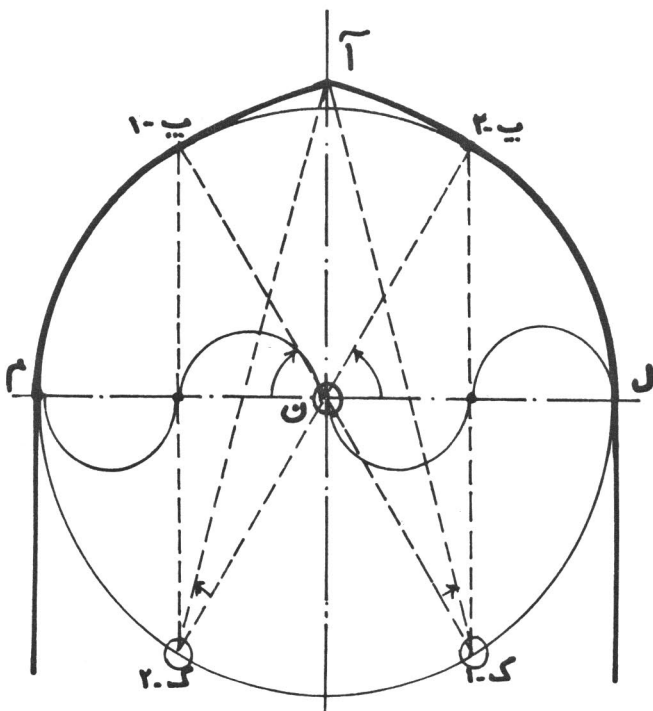


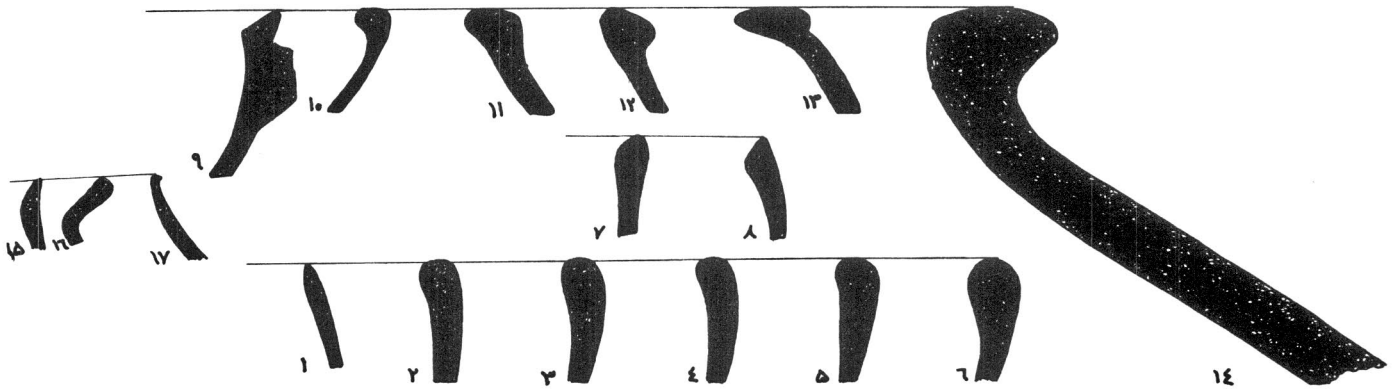
و تاق تالار جنوبی مشاهده میشود در صورتی که پیشنهاد شکل تیزه دار برای پوشش درگاه درست باشد، با اندکی تردید میتوان پندار مشابهی از شکل قوس طرح پیشنهادی برای تالار جنوبی و به تبع آن پوشش تالار شمالی در نظر گرفت.

لازم به ذکر میدانند که اخیراً از وجود ترجمه بخشی از کتاب غیاث الدین جمشید کاشانی توسط آقای مهندس جذبی اطلاع حاصل گردید، از حسن اتفاق در این مقاله چگونگی روش ترسیم تاق تیزه داری تشریح شده که دقیقاً "با شکل لنگه توپزه نیش بنای تپه (و) منطبق است."

روشی که غیاث الدین جمشید کاشانی در قرن هشتم هجری برای ترسیم تاق برای دهانه های کمتر از پنج متر ارائه داده است با احتساب قوسهای زیرین تاق و قوس خارجی توپزه و ضخامت آن و بطور کلی گویای بسیاری از نکات هندسی و محاسباتی است در حالیکه در طرح پیشنهادی این گزارش فقط چگونگی دست یابی به ترکیب هندسی دو قوس داخلی دهانه تاق مورد نظر بوده است.

(طرح شماره ۵) روش پیشنهادی برای ترسیم قوس لنگه توپزه های تاق جناغی تپه (و)





(طرح شماره ۶) طرح مجموعه سفالهای سطحی میدان باستانی دلازیان

بر سطح بقایا و خرابه‌های آن در حفرةایکه سوختگی بر آن مشاهده شده و احتمالاً "بر اثر برافروختن آتش سوخته است جان‌شین شده است . و بنا بر این تاریخ احداث بنا متعلق به قبل از دوره و یا زمانی است که این سفالها بر آن جای گرفته‌اند (طرح شماره ۶) .

باتوجه به قدمت سفالهای مشابه ردیف چهارم که معادل اوایل هزاره اول تا هشتصد قبل از میلاد میباشند ، میتوان قدمت این بنا را متعلق به دوره‌ای قبل از دوره ماد و هخامنشی دانست .

● ۴-۷- مقایسه معماری بنای تپه (و) دلازیان با دو بنای دیگر معماری بنای تخریب شده تپه (و) با معماری بنای شرقی تپه نوشی جان قابل مقایسه میباشد (تصاویر ۲۹-۲۸) . از گزارشهای سومین مجمع سالانه کاوشها و پژوهشهای باستانشناسی در ایران ۱۳۵۳ در معرفی نتایج چهارمین فصل کاوشهای تپه نوشی جان توسط آقای دیوید استروناخ (David Stronach) هر چند که طول و ارتفاع تالارهای ۲۳ و ۲۵ و ۲۶ و ۱۶ و پهنای دیوارهای بین آنها در بنای دژ نوشی جان بیش از دو برابر طول و ارتفاع و پهنای دیوار بین تالارهای جنوبی و شمالی بنای تپه (و) است ، لکن عرض تالارها در هر دو بنا برابر بوده و ساختمان پوشش آنها نیز که نوعی طاق گهواره‌ای است از لحاظ شکل و شیوه اجرا و همچنین مصالح یکسان است .

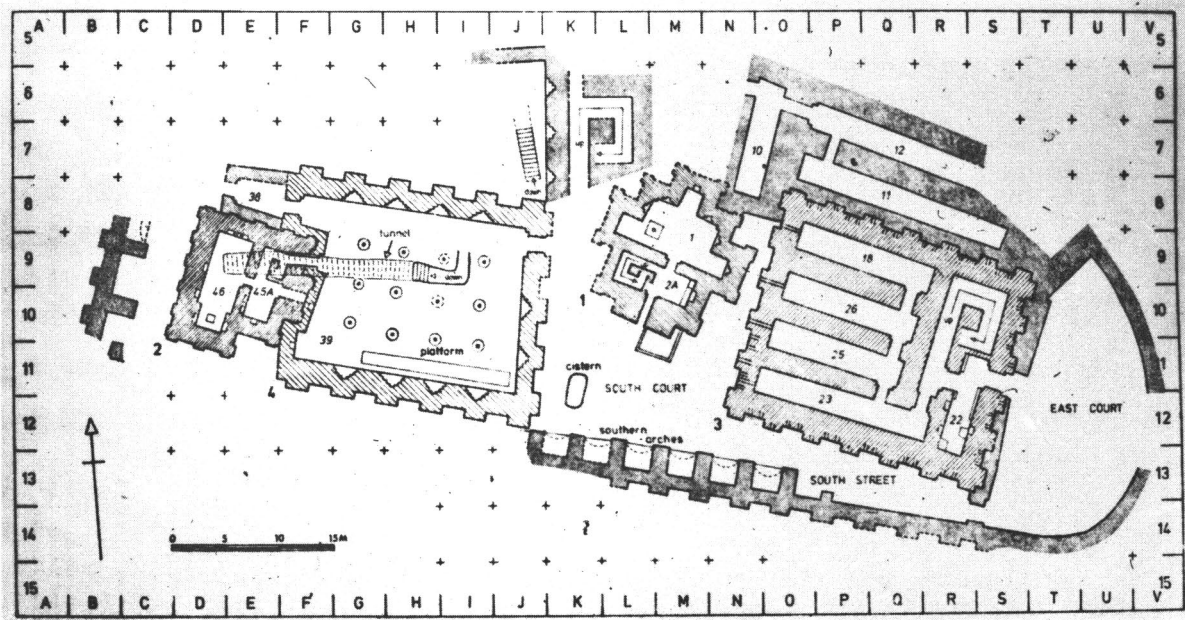
پهنای دیوارها نیز میبایست باروش مشابه محاسبه شده باشد

۳-۷- قدمت بنای پنهان در تپه (و)

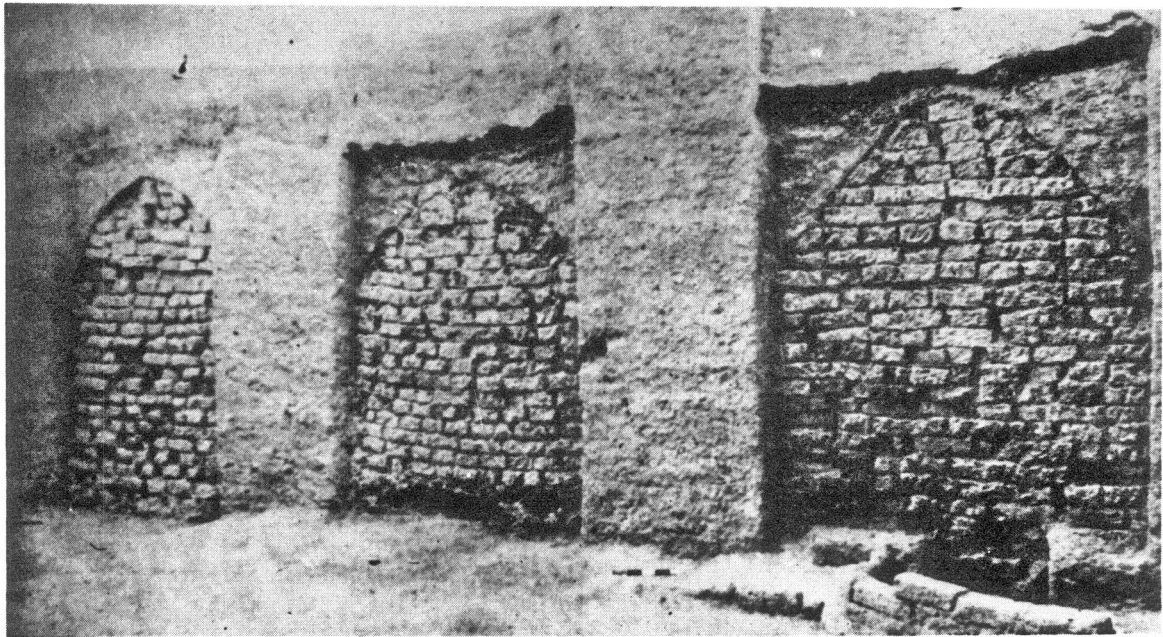
آشنائی با مشخصات این بنا اعم از عملکرد ، قدمت و سایر خصیصه‌های معماری آن مستلزم کسب اطلاعات بیشتری است که با احتمال زیاد از کاوشهای دقیق این تپه و بررسی‌های عمومی منطقه همراه با مطالعات مردم شناسی ، بوم شناسی و آشنائی با آداب و سنن مردم بومی بدست خواهد آمد . لکن اطلاعات محدودی که از اولین فصل بررسی عاید شده مبتنی بر مدارکی است که از سطح میدان و باقیمانده‌های آثار معماری تخریب شده بدست آمده است .

وجود سفالینه‌های هزاره پنجم قبل از میلاد (سفالهای ردیف ۱ و ۲) در فاصله بیست متری شمال بنای تپه (و) به همراه تیغه‌های ابزار سنگی که بر سطح میدان گسترده است ، شواهدی از سابقه حضور انسان در لااقل هفت هزار سال پیش ، در این حوزه است که البته بطور مستقیم در تعیین قدمت این بنا عامل موثری بشمار نمی‌آید . قطعه سفال منقوش کوچکی (سفال ردیف ۳) که در داخل آوار بدست آمده و منتسب به هزاره سوم قبل از میلاد ، دانسته شده نیز بتنهائی دلیلی بر قدمت بنا در این تاریخ نیست ، چه بسا که این سفال به همراه مصالح ساختمانی و یا علل مشابه دیگری توسط مردم زمانهای جدیدتر به این بنا وارد شده باشد .

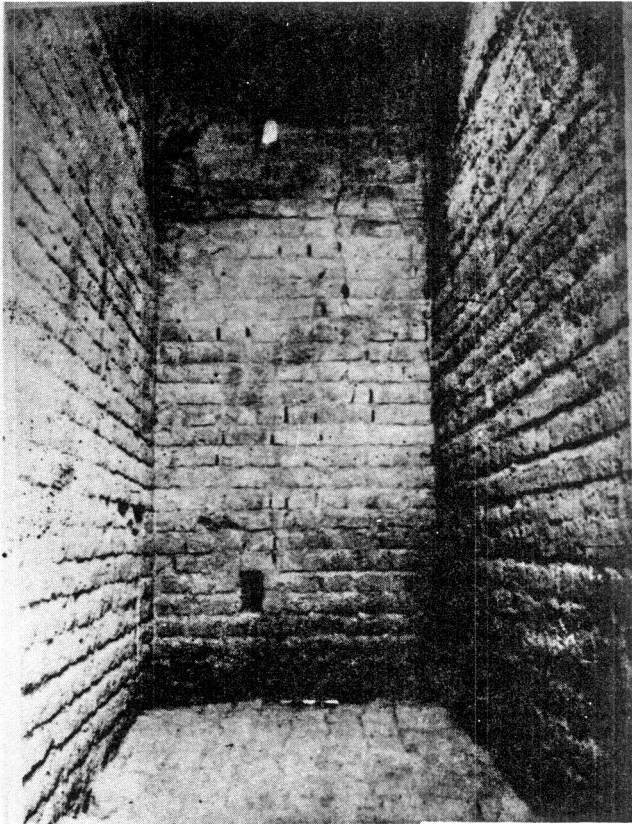
سفالهایی که از سطح تپه جمع‌آوری شده و یا در گمانه‌های آزمایشی خارجی در جوار بنا و یا مستقیماً " بر روی خشتهای خارجی بدست آمده متعلق به زمانی است که این بنا شکل گرفته بوده و این مدارک



(تصویر شماره ۲۸) نقشه بناهای تپاشگاه نوشی جان - مجله ایران جلد ۱۶



(تصویر شماره ۲۹) تاقهای جناغی در جنوب آتشکده نوشی جان از گزارشهای سومین مجمع باستانشناسی در ایران



(تصویر شماره ۳) یکی از تالارهای بنای موسوم به دژ در تپه نوشی جان از گزارشهای سومین مجمع باستانشناسی در ایران

زمانی بین ساخت تاق جناغی تپه (و) دلازیان و بنای تپه نوشی جان و بنای فرازکوه مهر محدود نمیگردد (تصاویر شماره ۳۵). بسیاری از باقیمانده‌های بناهای تاریخی در گوشه‌های ناشناخته این سرزمین مبین استمرار بلاوقفه فرهنگ اصیل معماری، از دیرباز تا کنون میباشند. بنابراین جای شگفتی نیست که لنگه توپزه بنای تپه (و) دلازیان با همان مشخصات هندسی و محاسباتی ساخته شده باشد که پس از بروز تحولات بنیادی اجتماعی عدیده، روش ترسیم و محاسبات همان خطوط، پس از گذشت بیش از بیست و دو قرن در کتاب غیاث‌الدین جمشید کاشانی بازتابیده شود و پس از گذشت قرون متمادی دیگری

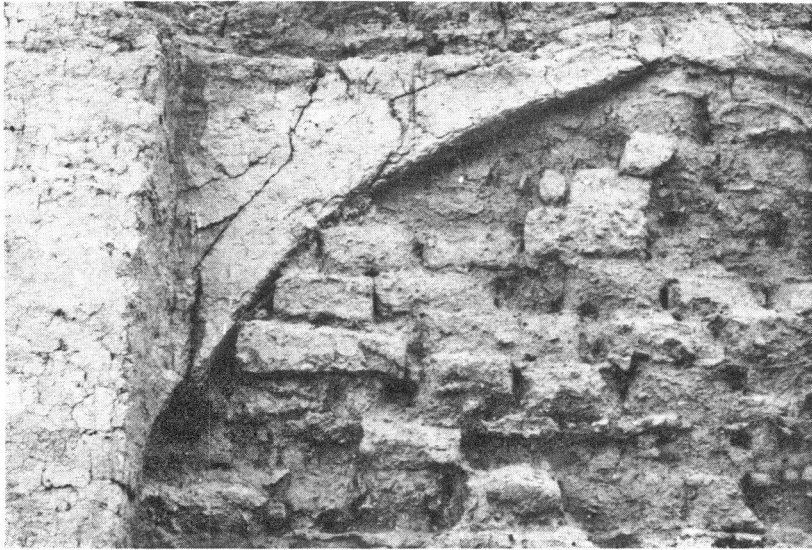
و تفاوت پهنای دیوارهای بین این دو بنا علت ارتفاع زیاد بنای دژ نوشی جان است. (تصویر شماره ۳۰)

شکل جناغی لنگه تاقهای موجود در دیوار جنوبی "خیابان جنوبی" آتشکده نوشی جان نیز از لحاظ ساخت، مصالح و شیوه اجرا، با تاق جناغی بنای تپه (و) قابل مقایسه هستند. در این دو بنالنگه توپزه‌ها از دو خشت یکپارچه ساخته شده‌اند که در تیزه تاق بهم متکی میباشند، تفاوت بین آنها بزرگی دهانه تاق جناغی نوشی جان در حد دو برابر و نیم عرض تاق جناغی بنای دلازیان است. لازم به ذکر است که قدمت دیوار جنوبی و تاقهای جناغی نوشی جان به تاریخی پیش از ۷۰۰ قبل از میلاد نسبت داده شده است.

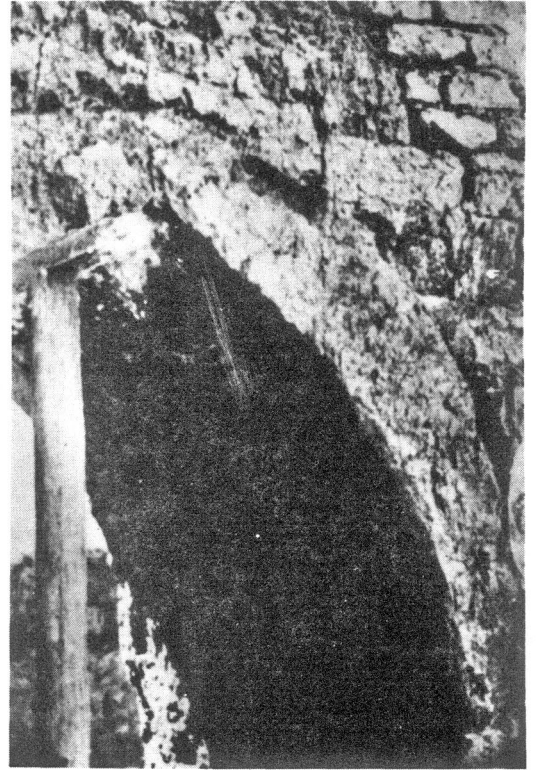
(تصاویر ۳۱-۳۲-۳۳)

با توجه به نتایج کاوشهای باستانشناسی در تخت جمشید که در مجله باستانشناسی و هنر ایران و مجله هنر و معماری و همچنین کتاب دانستنیهای نوین درباره هنر و باستانشناسی عصر هخامنشی بر بنیاد کاوشهای پنج ساله تخت جمشید، نگارش دکتر اکبر تجویدی که طی آنها کشف تاق جناغی بنای برفراز کوه مهر (رحمت) را (با احتمال وجود سابقه قدیمیتری در محوطه‌های ناشناخته این سرزمین) قدیمی‌ترین تاق جناغی شناخته شده معرفی گردیده است، تاق جناغی بنای تپه (و) دلازیان (با قدمتی دورتر از قرن هشتم قبل از میلاد) با تاق جناغی مذکور از لحاظ شکل و یکپارچگی خشت و ساخت لنگه توپزه‌ها قابل مقایسه میباشند. با این تفاوت که عرض دهانه تاق جناغی بنای فرازکوه مهر دو برابر عرض تاق دهانه تاق جناغی بنای تپه (و) است. و از لحاظ دقت زیادی که در تهیه مواد خام، ساخت خشت و زیبایی تناسب قوسهای ترکیبی تاق اخیر بکاررفته نیز تفاوتی بین این دو محسوس است. (تصویر ۳۴) هنوز اطلاع دقیقی از هندسه قوسهای تاق جناغی بنای فرازکوه مهر و تاقهای جناغی دیوار جنوبی در نزدیکی آتشکده نوشی جان در دست نیست تا بتوان این هر سه تاق را با هم مقایسه نمود.

در هر حال تداوم سنتهای معماری، طی قرون متمادی در فاصله



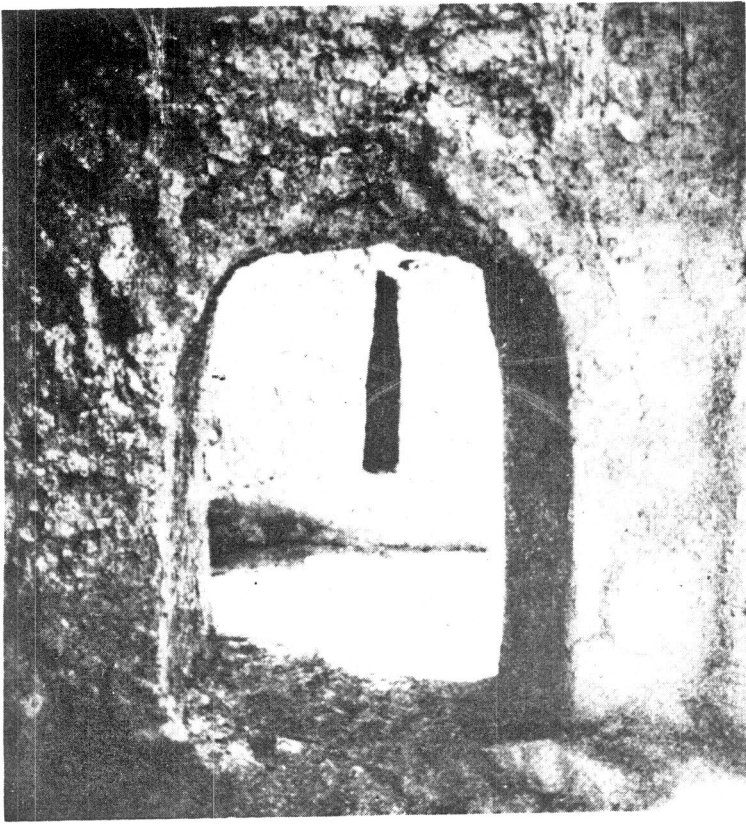
(تصویر شماره ۳۲) تاق جناغی نوشی جان-۱۳۶۴



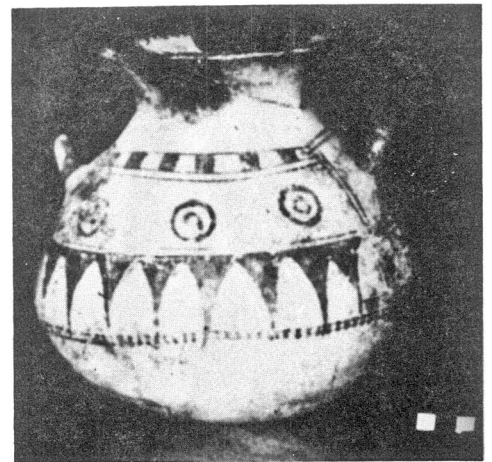
(تصویر شماره ۳۱) تاق جناغی بنای فراز کوه مهر (تخت جمشید)



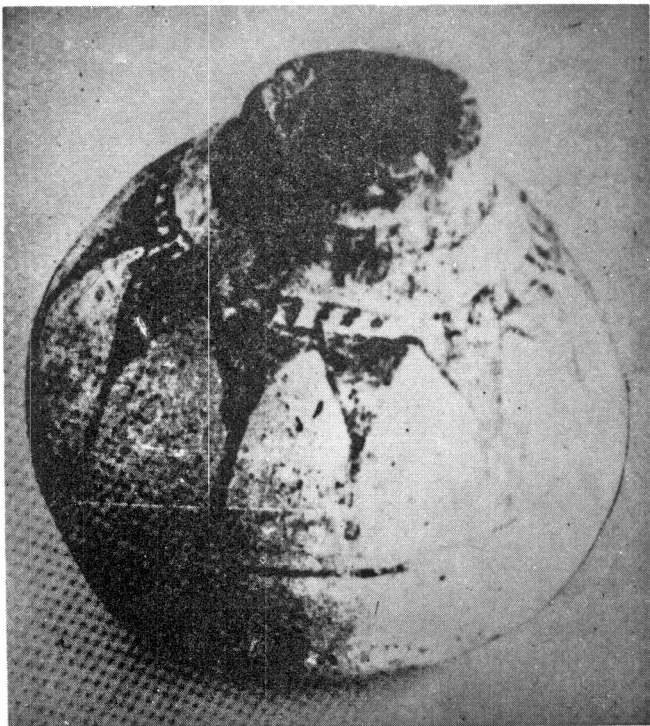
(تصویر شماره ۳۳) تاق جناغی دل‌زیان



(تصویر شماره ۳۴) تاق جناغی بنای فراز کوه مهر (تخت جمشید) تصویر از مجله باستان‌شناسی و هنر ایران - جلد دوم



(تصویر شماره ۳۵) نقوش هندسی سفالینه‌های، نوشی جان و باباجان، رامیتوان انعکاسی از طرح تاق‌های جناغی معماری همزمان آنها (هزاره اول پ. م) بشمار آورد. (تصویر از مجله ایران جلد ۱۶)

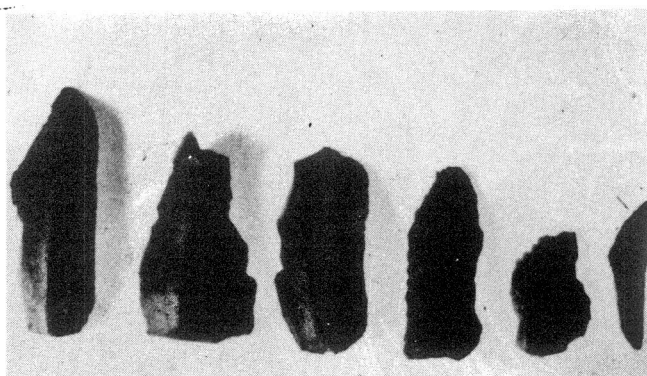
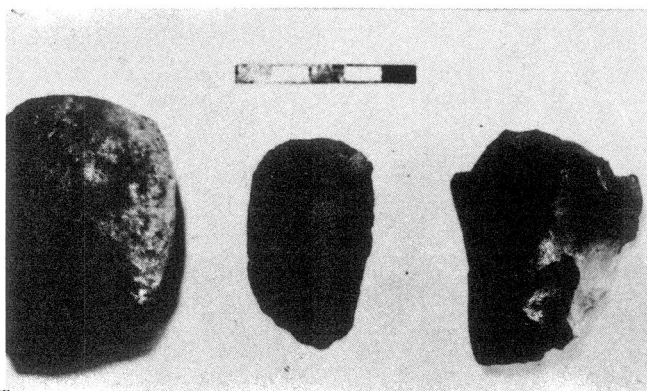


در فاصله دویست متری شرق این محل بدست آمد. این سفالها متعلق به هزاره پنجم قبل از میلاد است و وجود آنها در این مکان از لحاظ باستانشناسی حاکی از اهمیت ویژه این مکان میباشد. تاکنون از وجود بقایای آثار مردم این زمان در سمنان خبری بدست نیامده لکن در همین فصل بررسی سفالهای متعددی با همین قدمت در شمال دهکده میرزا احمدی مشاهده شده است که احتمالاً "توسط حفاران قنات در هزاره دوم قبل از میلاد، از عمق خاک به سطح زمین منتقل شده اند. توضیح بیشتر اینکه، این آثار بر روی سطح برجستگیهای هموار شده ای در دو نقطه بفاصله تقریبی یکصد متر از یکدیگر، به همراه یکظرف پوسیده سفالی نسبتاً کامل که شکل آن با سفالهای هزاره دوم قابل مقایسه میباشد، در شمال خط راه آهن (شمال دهکده میرزا احمدی) بدست آمد که احتمالاً "بقایای چاههای یک قنات متروک میباشد (تصویر شماره ۳۷)

پیداشدن سفالهای هزاره پنجم در دو نقطه بفاصله ده کیلومتری یکدیگر و وجود این سفالها در میدان باستانی دلازیان و بطور کلی در منطقه سمنان اتفاقی قلمداد نمیشود و میتوان به وجود اسناد و مدارک بیشتری از بقایای آثار مردم این زمان در میدان باستانی دلازیان یقین حاصل نمود.

● ۱-۸- مشخصات سفال قرمز رنگ منقوش (ردیف یک)
این اثر نفیس که قطعات آن یادگار مردم هنرمند این سرزمین در گذشته های دور است میتوان آن را بطور خلاصه با ویژگیهای دست ساز، با لعابی از جنس گل سفال به رنگ قرمز و نقوشی با خطوط هندسی و موجی به رنگ سیاه که بر زمینه لعاب قرمز رنگ نقش بسته و پخت آن کامل است، توصیف نمود.
قطعات بدست آمده از این سفال، شامل بخشهایی از لبه و بدنه و پایه است و از مجموع آنها میتوان به طرح کلی و تقریبی، مقطع و ابعاد ظرف دست یافت.

قطر دهانه ۲۴ سانتیمتر و قطر کف ظرف که مسطح است ۶ سانتیمتر



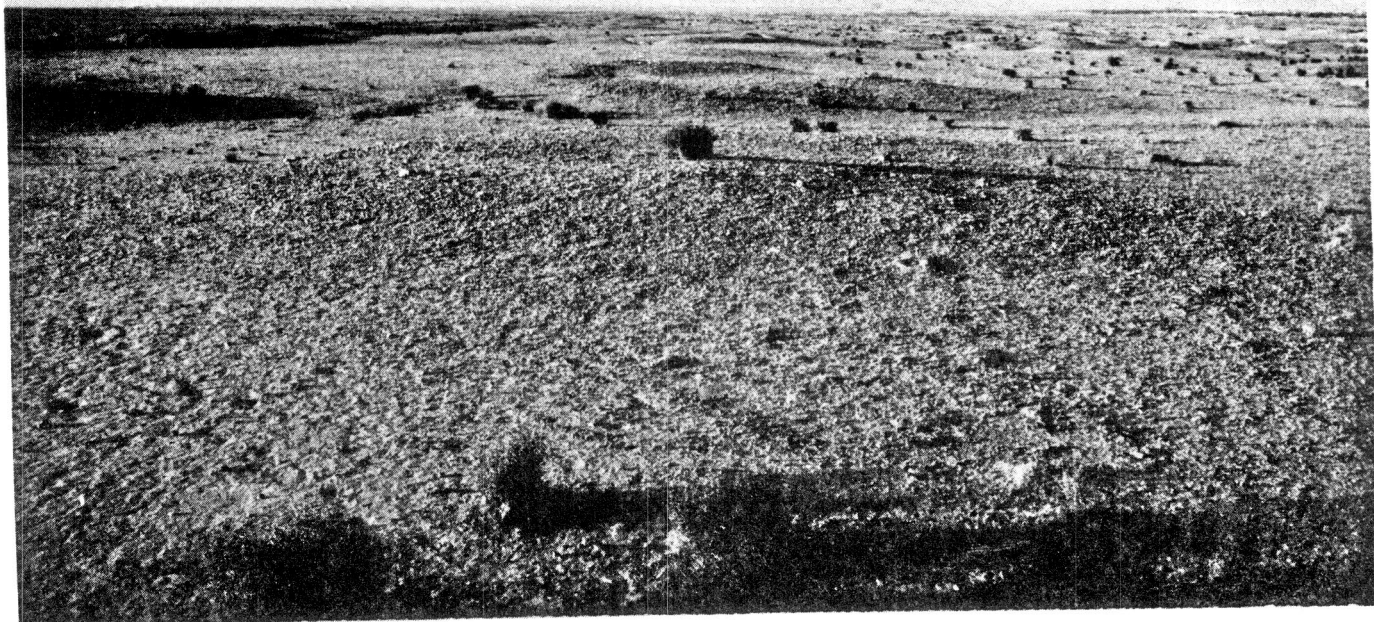
(تصویر شماره ۳۶) چند نمونه از تیغه های سنگی جمع آوری شده از سطح میدان باستانی دلازیان

آنها را در زمان حال باز شناسیم.

● ۸- سفالهای هزاره پنجم (ق.م) در میدان باستانی دلازیان (چشمه شیخ)

در بررسی میدان باستانی دلازیان تعداد زیادی تیغه های سنگی از سطح تپه ها و اراضی اطراف آنها، جمع آوری شده است. مطالعه تیغه ها و ابزار سنگی تحت بررسی و تحقیق آقای عنایت... امیر لوقرار دارد، بدیهی است که نتیجه مطالعات ایشان، در زمینه شناسایی نوع استفاده و زمان بهره گیری مردم از این مکان و چگونگی وضعیت جامعه کهن در این حوزه، روشنتر بسیاری از مبانی تاریخی است و اطلاعات موجود را کامل خواهد نمود. (تصویر شماره ۳۶)

در این بررسی به همراه تیغه های سنگی در شمال تپه (و) قطعات ظرف قرمز رنگ منقوش و یک قطعه سفال خودی رنگ جمع آوری شده است، علاوه بر آن یک قطعه سفال خودی رنگ منقوش دیگر



(تصویر شماره ۳۷) برجستگی های هموار شده شمال دهکده میرزا احمدی که احتمالاً "مربوط به دهانه چاه های قنات در دوران باستان بوده و با شواهدی که در دست است میتوان ایجاد این قنات را به مردم هزاره دوم قبل از میلاد نسبت داد که در حین کندن چاه سفالهای هزاره پنجم را از لایه های زیرین به سطح زمین منتقل نموده اند .

در این زمینه تحقیقاتی که در (پیوست ۱) درج گردیده اطلاعات جامعی از مشخصات سفال دلازیان را ارائه داده که در خور توجه و اهمیت ویژه می باشد .
 با توجه به قابلیت مقایسه مدارک جمع آوری شده از میدان باستانی دلازیان (چشمه شیخ) با محوطه های باستانی ، تپه حصار دامغان در حاشیه شمالی کویر مرکزی و بقایای تمدن چشمه علی (ری) در شمال غربی حاشیه کویر و تپه سیلک کاشان در حاشیه شرقی آن نظم خاصی را در پراکندگی جامعه های فرهنگی هزاره پنجم قبل از میلاد در حاشیه کویر مرکزی ، میتوان در نظر گرفت ، که با احتساب موقعیت دلازیان (سمنان) دارای فاصله های متناسب و متشابه خواهند بود . در صورتیکه سگرآباد و اسمعیل آباد را هم در این شمار آوریم نسبت پراکندگی و یا تراکم این جامعه های کهن و فاصله

و بلندی ظرف حدوداً " بالغ بر ۱۸ سانتیمتر و ضخامت ظرف در لبه ۴ میلیمتر و در بدنه ۵ میلیمتر و در کف ۸ میلیمتر میباشد . سفالهای منقوش دلازیان با سفالهای مشابه در چشمه علی (ری) باستان) ، تپه حصار دامغان و تپه سیلک کاشان قابل مقایسه است . با اطلاعاتی که از کاوشهای چشمه علی (ری) در دست است ، سفال منقوش دلازیان را میتوان با سفالهای منقوشی که از لایه (IA) چشمه علی بدست آمده است ، مقایسه نمود .

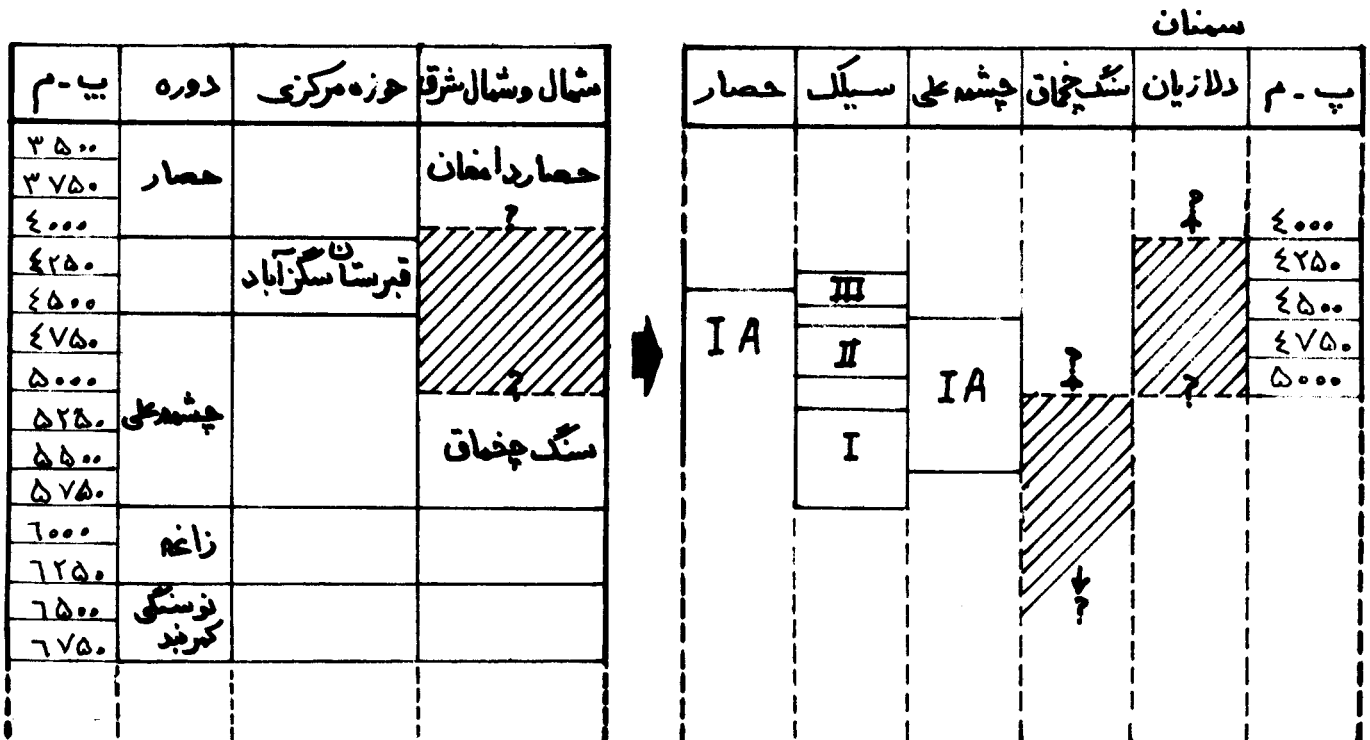
در این طبقه بندی سفالهای (ردیف ۱ و ۲) دلازیان مشابه سفالهای لایه III سیلک کاشان است که تاریخ آن به حدود هزاره پنجم قبل از میلاد نسبت داده شده است . با توجه به جدول شماره یک مشخصات سفالهای دلازیان با سفالهای تمدن حصار دامغان IA نیز قابل تطبیق است .

قدیمتر از این دوره رانفی نخواهد کرد .

پیداشدن بقایای آثار مردم دوران کهن در منطقه سمنان و نقش آن در تکمیل مدار ارتباطی مردم هنرمند سرزمینهای شرقی و حوزه‌های غربی فلات ، بویژه محوطه‌های باستانی حاشیه کویر در خورتوجه میباید . راههای موجود ، جاده سنگفرش و شاخه‌ای از جاده ابریشم و امتداد تپه‌ها و بقایای آثار فرهنگی متعددی که در تنگ یکدیگر دیده میشوند ، شواهدی از ارزشهای فرهنگی منطقه سمنان ، در فاصله اندک کویر تا کوه به شمار می‌آیند ، و وجود آثار فرهنگی و بقایای زندگی مردم این سرزمین از دوره‌های مختلف در کنار یکدیگر از امتیازات این حوزه برای مطالعات و بررسی‌های باستانشناسی از گذشته‌های دور تا کنون میباید .

بین آنها دارای نظم در خورتوجهی میباید . با مقایسه وجوه مشترک بین بقایای آثار و مدارک موجود آنها نمیتوان بدون پیدا کردن دلیل قانع کننده‌ای ، ابداع یک هنر و آغاز تولید فرآورده‌های را به یکی از این حوزه‌ها نسبت داد و سایر جوامع را وارد کننده و یا مصرف کننده آن فرآورده دانست . در غیر این صورت یا میبایست منشاء و مبداء فرآورده‌های مشترک را به یک واقعه همزمان اتفاقی در چند نقطه نسبت داد و یا اینکه وجود تبادل فرهنگی که لازمه آن رفت و آمد بین آنهاست پذیرا شد .

در صورت قبول وجود رابطه فرهنگی و تبادل هنری بین محوطه‌های فوق الذکر ، ایجاد اولین راههای ارتباطی مناطق حاشیه کویر را میتوان از نیازمندیهای قطعی مردم حاشیه کویر در این زمان دانست . واضح است که نگرش فوق وجود تحرکات و جابجائی مردم دوران



جدول مقایسه سفالهای هزاره پنجم دلازیان با سایر محوطه‌های همزمان آنها

تحقیقات آقای دکتر صادق ملک‌شهمیرزادی در مورد سفالهای هزاره پنجم (ق. م) میدان باستانی دلازیان هنگام مطالعه سفال تپه‌زاغه واقع در دشت قزوین این نتیجه حاصل شد که سفال نوع " چشمه‌علی " هنوز اهمیت کلیدی خود را برای طبقه‌بندی زمانی آثار و مدارک باستانی فلات مرکزی ایران همچنان دارا می‌باشد (۱). دلیل استفاده از اصطلاح " چشمه‌علی " اجتناب از افزودن نامی جدید به اصطلاحات بیشمار موجود و رایج بوده است. سفال نوع " چشمه‌علی " همان نوع سفالی است که بر اساس کاوشهای پروفیسور گریشمن در سیلک (۲) توسط پژوهندگان بنام " سفال سیلک I " و " سفال سیلک II " معرفی و مطالعه گردیده و یا سفالهای بدست آمده از چشمه‌علی شهر ری نزدیک تهران توسط اریخ اشمیت (۳) توسط دونالد مک‌گان تحت عنوان " چشمه‌علی A] تحتانی " (" چشمه‌علی IA فوقانی " معرفی و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (۴).

ویژگیهای کلی سفال نوع " چشمه‌علی " را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود که :

سفالها بدون استثنا با دست فرم داده شده‌اند و در ساختن آنها از چرخ سفالگری استفاده نشده است. گل سفال به خوبی ورز داده شده و ماده چسباننده سفال را شن نرم، پودر شن و پودر شن نرم و تقریباً یک دست تشکیل می‌دهند. در مواردی نیز دیده شده که سفالگر مقداری سبزیجات خرد شده به مخلوط برای چسبندگی بیشتر و بهتر افزوده است. سطح سفالها تقریباً " اکثراً " با پوششی از نوع لعاب‌گلی غلیظ به رنگهای قرمز و یا نخودی پوشانیده شده است. برای تزئین سفال علاوه بر استفاده از نقوش هندسی منظم در برخی موارد از نقوش مسبک حیوان و گیاه و پرند نیز استفاده شده است. نقوش با رنگ سیاه روی زمینه قرمز و یا نخودی مات و یا براق کشیده شده‌اند. سفال نوع چشمه‌علی را در گورهائی که حرارت در آنها را میتوانسته‌اند تا حدودی کنترل نمایند حرارت داده و پخته‌اند.

در بررسی منطقه سمنان چندین قطعه سفال نوع چشمه‌علی جمع‌آوری گردید که دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشند. اهمیت این نمونه‌ها را میتوان چنین خلاصه نمود که برای اولین بار در این منطقه از فلات مرکزی ایران شناسائی گردیده‌اند. هر چند حضور این نوع سفال با توجه به گستردگی جغرافیائی آن در حاشیه گویر در فلات مرکزی ایران قابل پیش‌بینی بود. در حال حاضر با این که بطور یقین نمی‌توان از موطن اصلی و اولیه اقوام دارای چنین سنت سفال بحث و گفتگو نمود ولی در پی‌گیری مسیر پراکندگی این نوع سفال در فلات مرکزی ایران باید منطقه سمنان را نیز یکی از مراکز عمده و شاید اصلی رواج و کاربرد این سنت سفال محسوب نمود.

جنوبی‌ترین نقطه در حاشیه گویر در فلات مرکزی ایران که این نوع سفال بدست آمده در حال حاضر سیلک گاشان است و شمالی‌ترین نقطه را باید تپه‌سنگ چخماق واقع در ۶ کیلومتری شاهرود دانست (۵). البته در فاصله این دو محل می‌توان از چند حوزه و یا محل باستانی دیگر نیز نام برد که اهم آنها عبارتند از دشت قزوین (۶) و اطراف تهران در مرکز و تپه شیرزیان نزدیک تپه حصار دامغان (۷). در پاره‌ای از گزارشات حضور وجود این نوع سفال در شهر قومس (۸) در منطقه‌ای حد فاصل بین سمنان و دامغان نیز آمده است. (در یک بررسی که گزارش آن هنوز منتشر نشده و در اطراف دامغان صورت پذیرفته است در چند نقطه این نوع سفال جمع‌آوری گردیده است) (۹).

البته این سنت سفال به مناطق یاد شده در فوق محدود نبوده و نمونه‌هایی از آنها را در حفریات غارهای هوتو و گمربند (۱۰) در کرانه دریای خزر و تورنگ تپه و یاریم تپه در دشت گرگان بدست آورده‌اند (۱۱ و ۱۲). شمالی‌ترین نقطه‌ای که این نوع سفال در آنها بدست آمده است تپه آنو در ترکمنستان شوروی است (۱۳) و غربی‌ترین محل تپه‌گیان نهاوند است که در بین آثار طبقه VA و بین آثار موجود در عمق بین ۱۸ متر و ۱۹ متر (خاک بکر) نمونه‌هایی از این نوع سفال بدست آمده است (۱۴).

- 1- Malek Shahmirzadi, S. Tepe Zagheh: A sixth Millennium B.C. vilage in the Qazvin plain of central Iranian plateau. ph.D. Dissertation, University of pennsylvania. 1977
- 2- Ghirahman, R. Fouilles de Sialk pres de Kashan 1933, 1934, 1937. Vol. I. Paris. Librairie Orientalist. Paul Geuthner. 1938
- 3- Schmidt, E. F. "The Persian Expedition" Bulletin of the University Museum. Vol. 4, NO. 5, PP. 41-49 1935
- 4- MC Cown, D. E. The Comparative Stratigraphy of Early Iran. Oriental Institute of the University of Chicago, studies in Ancient Oriental Civilizations, No. 23, Chicago, University of Chicago Press. 1942
- 1942 "The Material Culture of Early Iran" Journal of Near Eastern Studies, Vol. I. PP. 424-449.
- 5- Ma suda, S. "Excavations at Tappeh Sang-e-Caxmaq" Proceeding of the II nd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran. Muzeh-e Iran-e Bastan, Tehran, Iran. 29th October - 1 November. PP. 23-33. 1973
- 1974 "Tepe Sang-e Caxmaq" Iran, Vol. XII. PP. 222-223.
- 6- Malek Shahmirzadi, S. (به زیرنویس شماره یک نگاه کنید) (NO. 1) 1977
- 7- Schmidt, E. F. Excavation at Tepe Hissar (Damghan). Pennsylvania. University of Pennsylvania Publications of the Iranian Section. Philadelphia. 1973
- 8- H. Hansman, J. "The Problem of Qumis" Journal of the Royal Asiatic of Great Britain & Ireland. Part 3 and 4. PP. II-139. 1968

در مورد وجود سفال نوع چشمه علی در منطقه دامغان اطلاعی که توسط خانم کیم مائورو
در اختیارم گذاشتند تنها منبع موجود است. ایشان در سال ۱۹۷۶ در این منطقه بررسی نمودند.

- 10- Coon, C.S.
1952 "Excavation in Hotu Cave, Iran, 1951, A Preliminary Report" Proceedings of the American Philosophical Society, Vol.96,3.PP. 231-249.
- 11- Deshayes, J.
1967 "Ceramiques Peintes de Tureng Tepe" Iran, Vol.V.PP.123-131
- 12- Crawford, V.E.
1963 Beside the Kara Su" Bulletin of Metropolitan Museum of Art. Vol. XXI, No. 5.PP. 263-273.
- 13-Masson, V.M. and V.I.
Sarianidi 1972 Central Asia: Turkmenia Before the Achaemenids. New YORK. Washington. Praeger.
- 14- Contenau, G. and
R. Ghirshman 1935 Fouilles du Tepe-Giyan, pres de Nehavend, 1931 et 1932.
Musee du Louvre, Paris.